

سال اول دوره دوم

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

پنجشنبه ۲ اسفند ماه ۵۸ شماره ۲۴ تک شماره ۱۰ ریال

امپریالیسم آمریکا برای پوشاندن جنایات خود تلاش میکند

یک هیئت تحقیقاتی ۵ نفره از طرف سازمان ملل، با تصویب دولت ایران تعیین شده و امام و رودآنها را تیر تابید کرده و زودی برای بررسی جنایات رژیم شاه مطوع وارد تهران خواهد شد. تشکیل این هیئت نتیجهی کوشش های ایران برای افشای

کمبود ماهی تقصیر صیادان نیست

در صفحه ۶



همبستگی مردم خوزستان و مدعیان طرفداری خلق

صحنه های افتخار آفرینی از ایناروندها... کاری خلق کردند که برای همیشه زنده خواهد ماند. دیدن مردان و زنانی که البسه و پوشاک خود را برای کمک به سیزده ها اهدا می کردند، آدمهایی که به دل آب زده و در حالیکه امکان آن وجود داشت که سیل خروشان خود آنها را هم با خود ببرند، برای نجات سیزده ها و گرفتن آنها از دست سیل خروشان جد و جهد می کردند، آدمهایی که در دل شب از خانه ها بیرون ریخته و کیسه های شن را در جلو سیل و سیلاب کف بر لب آورده قرار میدادند، همه و همه این فکر را به ذهنها القا میکند که مردم ما همچنان آماده اند که برای پاسداری بقیه در صفحه ۵

گزارش زیر را یکی از طرفداران حزب رنجبر ایران در رابطه با فاجعه سیل خوزستان برای "رنجبر" فرستاده است:

در روزهای گذشته، منطقه خوزستان شاهد یک رخداد عظیم از قهر طبیعت و در همان حال همبستگی بزرگ مردم ما برای مقابله با این مصیبت هولناک بود.

منطقه خوزستان، پیش از این هم بارها با سیل و بلایای دیگر روبرو شده بود ولی هیچگاه مانند روزهای اخیر شاهد این حرکت عظیم و توده های که در روزهای اخیر منطقه خوزستان شاهد آن بوده است نبوده، توده های وسیع مردم برای کمک به هموطنان سیزده خود به حرکت در آمده و

پیروزی انقلاب اسلامی می گذرد، با توجه به هرج و مرج و بی نظمی در کشور نظرات در مورد انتخاب رئیس جمهور چیست؟

دکتر سنجابی - انقلاب ایران یک انقلاب عظیم ملی و اسلامی بود. جمهوری اسلامی به موجب رای ملت ایران اعلام شد و یک قانون اساسی برای جمهوری اسلامی به تصویب ملت رسید. البته به عقیده ما، در این قانون اساسی تناقضاتی از جهت حاکمیت ملی و کمبودهایی از جهت

بقیه در صفحه ۲

مصاحبه با دکتر کریم سنجابی

باید برای استقرار نظام جمهوری اسلامی کوشش نمائیم

سالهای قبل از کودتا و پس از آن خدمات تایانی به امر کسب استقلال و آزادی نموده اند. پس از پیروزی قیام بهمن ماه سال قبل نیز چند ماهی تصدی وزارت امور خارجه کشورمان را داشتند.

بر آن شدیم که طی مصاحبه های با نظرات ایشان درباره اوضاع سیاسی داخلی کشور و سیاست بین المللی بیشتر آشنا شویم که حاصل این مصاحبه را در زیر می خوانید.

رنجبر - امروز که یکسال از

* باید تعدد مراکز قدرت از بین برود

* باید به خواست مردم کردار طریق مسالمت آمیز جواب داد

* حزب توده وابستگان بخود را " نماینده مردم " جا می زند

آقای دکتر کریم سنجابی، از پایه گذاران و رهبران جبهه ملی ایران و از شخصیت های با سابقه استقلال طلب میهن ما بوده و در نهضت ملی

شهدای خلق و انحصار طلبی تلویزیون

در صفحه ۴

مجاهدین و مسئله سازش با شرق



توده های انقلابی در اهتزاز بوده و رهبری انقلاب نیز با آنها و بارها بوضوح امیرالیسم آمریکا و امیرالیسم روسیه را بمثابه دشمنان اصلی انقلاب اسلامی معرفی نموده و استقلال از هر دو آنها را بعنوان پایه

تظاهرات و اعتراضات طرفداران " سازمان مجاهدین خلق " نسبت به مقاله " روزنامه " جمهوری اسلامی " در ارتباط با انتقاد از مشی سازش با شرق (روسیه) چند تن از رهبری سازمان مجاهدین

نظر کارگران درباره قانون کار

در صفحه ۳

دهقانان « دشت ارژن » خواهان

محاكمه خوانین آدمکش هستند

در صفحه ۳

دانشگاهها سنگر استقلال اند نه انقیاد

در روز دوشنبه ۲۹ بهمن یک دسته چریکی - فاشیستی برهبری باندمزدورکیانوری در حزب توده مانع برگزاری سخنرانی طرفداران حزب رنجبران در دانشگاه علوم دانشگاه تهران شده و این دانشگاه را با حمله به شرکت کنندگان و برگزار کنندگان سخنرانی، ماهیت ضد انقلابی و مزدورمنشی خود را برای جمعیت زیادی بنمایش گذاشتند.

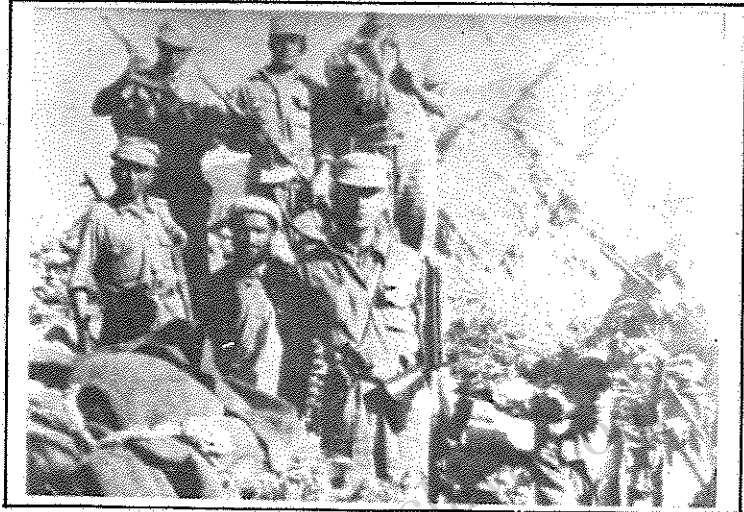
این حادثه مستقیماً نتیجه توطئه باندکیانوری و اخلاگری چپ نماها و انقلابی نماهایی است که بعلت مشی انقیاد طلبانه و سازشکاری نسبت به ابرقدرت شوروی، در عمل زیر رهبری سیاسی باندکیانوری خزیده و به "گروه ضربت" مزدوران روسیه تبدیل شده اند. چپ نماها و انقلابی نماها که در طول یکسال اخیر پس از انقلاب، بعلت همراهی نکردن با مواضع استقلال طلبانه مردم، بتدریج از خیابانها به کوچه ها و از کوچه ها به خانه ها پنهان شده اند، امروز محصور به چند دانشگاه شده و با استفاده از برخی شرایط کوشش دارند این آخرین پناهگاه درماندگی سیاسی خود را با جنگ و دندان و بادست زدن بهر شیوه ضد انقلابی و توطئه آمیز برای خود حفظ کنند.

بقیه در صفحه ۴

نبرد های شدید در افغانستان

طبق گزارش خبرگزاریهای فرانسه و آلمان - نبردهای شدیدی در حال حاضر بین مجاهدین مسلمان و نیروهای دولتی افغانستان در ایالت "کنر" (حوالی مرز پاکستان) در جریان است. طبق گزارش سخنگوی مجاهدین در پشاور در کوههای جلال آباد در فاصله ۹۰ کیلومتری مرز پاکستان یک هلیکوپتر

ساخت شوروی بدست مجاهدین سرنگون شده است. علاوه بر این، نبردهایی میان مجاهدین افغانی و نیروهای روسی در



پایان کنفرانس وحدت و درسهای آن

کم و کیف آن می دانیم تا شاید به آنهایی که باین "کنفرانس" بی خیر و برکت امیدها بسته بودند و صادقانه خواهان وحدت اند کمی شده باشد. به ویژه آنکه اخیراً انتشار جزوه های به نام "وحدت مسأله مرکزی و محوری نیروهای مارکسیست-لنینیست از جانب پنج گروه سازمان شرکت کنندگان کنفرانس، شواهدی از کوشش جدید برای پیوستن به جریان متحد مارکسیستی-لنینیستی کشور دیده می شود.

۱ - لنین گفت دو نوع وحدت داریم، یکی وحدتی است که از پایه ایدئولوژیک - سیاسی آن جدا نمیشود و این وحدتی است اصولی و استوار، و دیگری وحدتی است که تلاش می کند دست گروهها و سازمانها را در وصلتی نا مشروع و جدا از پایه ایدئولوژیک - سیاسی در دست یکدیگر بچسباند.

کتر از یکسال پس از تشکیل "کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر"، تشکیل دهندگان به وحدتی نرسیدند و طی اطلاعیه های انحلال آن را اعلام نمودند. در مصداق شد غلامی که آب جوی آرد - آب جوی آمد و غلام برد، "کوشندگان" از میان برداشتن تفرقه پس از یکسال ائتلاف متفرق شدند. به همان ترتیبی که دلیل و برهان فاطمی برای این گرد همائی نا متجانس ارائه نگردید، اطلاعیه انحلال هم به هیچ یک از جراهایا سخ نداد. تنها گفتند باین امید متفرق می گردند که جنبش کمونیستی را وحدت دهند.

لیکن اگر "کنفرانس" بی نتیجه ماند و شاید بسیاری ندانند چرا زهم یاشید، ولی ما خود را موظف به بررسی

و اسس - سمر - جمهوری - تعیین نموده اند. اکنون موضع گیری در برابر امپریالیسم روسیه بصورت حاد و عریانی در برابر "سازمان مجاهدین خلق" قرار گرفته است. موضع توده ها و موضع جمهوری اسلامی ایران در این مورد کاملاً مشخص است و در اساسی ترین ستون انقلاب یعنی استقلال و مبارزه علیه آمریکا و روسیه نسبت به توده ها و نسبت به رهبری انقلاب در ایورسیون قرار گیرد. صف بندی های سیاسی در این مورد نیز مشخص بوده و با ادامه مبارزه ضد امپریالیستی و عمیق تر شدن آن روز بروز واضح تر نیز میگردد: در یک طرف توده های میلیونی خلق، رهبری انقلاب، ارگانهای جمهوری اسلامی و نیروهای اصیل و استقلال طلب قرار گرفته اند که با موضع قاطع "نه آمریکا، نه شوروی و" مرگ بر هرگونه وابستگی" انقلاب را ادامه میدهند. در سوی دیگر عمال امپریالیسم و بویژه دو ابر قدرت آمریکا و روسیه قرار دارند. وابستگان به

ایجاد نهادهای جمهوری اسلامی

و تقویت هرگزیت

همگی بروی خط سروسامان دادن به نظام کشور و ایجاد مرکزیت بوده و در شرایط حساس کنونی کشور و منطقه بسود انقلاب و تثبیت اوضاع کشور و تقویت استقلال سیاسی آن است. تنها دشمنان انقلاب از هر ج و مرج و بلا تکلیفی و تعدد مراکز قدرت رقیب یکدیگر سود میبرند و تصمیمات اخیر اما در تقویت نهادها و مرکزیت اجرائی کشور گام مهم دیگری در خدمت تحکیم انقلاب و استقلال کشور بوده و مورد حمایت توده های خلق و نیروهای سیاسی استقلال طلب میباشد.

* روز سه شنبه امام خمینی طی فرمانی رئیس جمهور را بنمایندگی خود به فرماندهی کل نیروهای مسلح کشور برگماردند و ۶ تن از اعضای شورای نگهبان را تعیین کردند (حظرات آیات ربانی شیرازی، لطف الله صافی، محمد رضا مهدوی کنی، غلامرضا رضوانی، احمد جنتی و یوسف صانعی) هم چنین اعلام شده است که امام بزودی دوتن از اعضای شورای عالی دفاع را نیز تعیین خواهند کرد. براه انداختن نهادهای پیش بینی شده در قاننون اساسی و تقویت رئیس جمهور

حقی همورم بصوریر - ادامه دارد. اما این اعتراضات اساساً به فرع مسئله یعنی شیوه و چگونگی برخورد روزنامه "جمهوری اسلامی" و سایر نیروهای سیاسی به "سازمان مجاهدین" اختصاص داشته و به اصل مسئله یعنی مطلب مورد بحث - مشی سازش با روسیه - برخوردی نمیشود. صرف نظار شیوه های مورد استفاده در این مجادله (که در مواردی غیر اصولی و قابل انتقاد بوده و بایست مورد تصحیح قرار گیرند) خود مطلب مورد بحث کاملاً و بسیار مهم بوده و بحث درباره آن بایست مورد استقبال کلیه نیروهای سیاسی استقلال طلب و انقلابی قرار گیرد. توده های انقلابی در تداوم انقلاب و مبارزه ضد امپریالیستی خویش میخواهند نیروهای واقعی استقلال طلب را بشناسند و در رابطه با این خواست معیار تعیین نیروهای اصیل ضد امپریالیستی از وابستگان به امپریالیسم هم کاملاً روشن و غیر قابل انکار است. پرچم "نه شرقی، نه غربی" جمهوری اسلامی "از ابتدای انقلاب در پیشاپیش صفوف

گنبد: دید "توطئه جویانه" ضربه میخورد

پس از پایان گرفتن درگیری دوم گنبد کاووس در هفته گذشته و شکست تاکتیکی چریکهای فدائی در این درگیری، از سوی مقامات مسئول برخورد جدید و نسبتاً امید بخشی به مسئله ترکمن صحرا دیده می شود.

این بار مقامات بجای اینکه بروی تضادها و مشکلات عینی منطقه سرپوش بگذارند و تمام مسئله را منحصر به "توطئه ضد انقلاب" بدانند، مشکلات منطقه از جمله مسئله ارضی دهقانان و مسئله ستم ملی حداقل مورد بحث قرار گرفته است و اخباری از برداشتن چند گام عملی در حل این مسائل هم دیده می شود. این نشان می دهد که بخشی از مسئولین امور از گذشته درس گرفته اند و حاضرند قبول کنند که ریشه مسائل گنبد، مانند کردستان، خوزستان، انزلی و ... را مسائل عینی و واقعی مردم تشکیل می دهد و نه فقط توطئه های عناصر چپ نما و یا مزدور بیگانه.

در گذشته، و هم اکنون نیز، در برخی از مسئولین امور این دید وجود داشته است که در حرکت مردم پس از

بقیه در صفحه ۳

گزارشات شهرستانها



مردم میانه باند کیانوری را افشا کردند

میانه ۲۳ بهمن - عده ای از هواداران باند کیانوری در حزب توده روز سه شنبه ۲۳ بهمن نمایشگاه عکسی در میدان آزادی میانه ترتیب داده بودند. همزمان با این نمایشگاه عده ای از جوانان میهن پرست و استقلال طلب این شهر نیز در خیابانها و میدان آزادی میانه پوسترهایی از سازمان جوانان انقلابی در دفاع از جنبش خلق افغان در برابر تهاجم فاشیستی امپریالیسم روسیه چسبانده و گروهی از هواداران حزب رنجبران ایران در میانه نیز بریده‌هایی از روزنامه رنجبر را در افشای باند مزدور و وطن فروش کیانوری به دیوارها نصب نمودند. مسئولین نمایشگاه باند کیانوری به جوانان استقلال طلب بورژوازی و ضمن فحاشی‌های رکیک شروع به پاره کردن پوستره‌های افغانستان و تراکت‌های ضد باند کیانوری مینمایند که با عکس العمل شدید مردم مواجه میگرددند. جوانان ضمن محکوم کردن شیوه‌های ضد انقلابی طرفداران باند کیانوری

راهپیمائی به پشتیبانی از «دانشجویان خط امام» در مشهد

روز یکشنبه ۲۸ بهمن - ساعت ۲/۵ بعد از ظهر به دعوت جنبش مسلمانان مبارز مشهد یک راهپیمائی از جلوی دانشگاه پزشکی به سوی حرم به پشتیبانی از دانشجویان پیرو خط امام و افشای "سازشکاران ولیبرالها" شروع شد. در این تظاهرات حزب توده علنا (دانشجویان دمکرات) و چریکها و مجاهدین و دیگران به صورت گسیبیل نیروها یشان شرکت کردند. تعداد آدمهای شرکت کننده در مجموع ۱۰۵۰ تا ۱۲۰۰ نفر میشد تظاهراتی از شعارهای زیر را میدادند و با حمل میگردند:

باید برای

حقوق مردم شهرستانها و استانها وجود دارد. از طرف دسته‌ها و جمعیت‌های مختلف مذاکرتی در این زمینه‌ها داده‌اند و وعده داده شده است که این انحرافات و کمبودها اصلاح بشود. ولی این قانون اساسی امروزه قانون اساسی مصوب ملت ما است که بموجب آن نظام جمهوری اسلامی برای جامعه ما معین شده است. در حال حاضر همه دسته‌ها که در این انقلاب ملی شرکت داشته‌اند، همه جمعیت‌ها و سازمانهای میهن دوست، مسلمان و آزادیخواه وظیفه ملی و دینی دارند که برای استقرار این نظام جمهوری اسلامی به طور مثبت و سازنده کوشش نمایند. زیرا امروز یکسال از انقلاب گذشته است و چنانچه اشاره کردید، مملکت ما دچار هرج و مرج و بی نظمی است. این هرج و مرج و بی نظمی برای انقلاب فوق العاده خطرناک می‌باشد. باید کوشش کنیم که هر چه زودتر این نظام استقرار پیدا کند و از این طوک الطوایفی که حالا در جامعه وجود دارد جلوگیری کنیم. اکنون باید این حکومت در حکومت و قدرت در قدرت و سازمانهای مسلح غیر رسمی و همه اینها یک صورت منظم پیدا کنند. این عمل ممکن نخواهد بود مگر با استقرار نظام جمهوری اسلامی و اکنون که با رای فوق العاده عظیم ملت ایران آقای بنی صدر به سمت رئیس جمهور بزرگ ملت که نشانه وحدت مردم است باید ایشان را تقویت کرد، احترام گزارد و کوشش نمود که ایشان بتوانند برنامه‌هایی که اعلام کرده‌اند و در واقع همان برنامه‌های نظام جمهوری اسلامی است به مرحله اجرا بگذارند.

رنجبر - آیا نمونه‌هایی از تعدد مراکز قدرت که به هرج و مرج و دامن می‌زند، برای خوانندگان ما می‌آوردید؟

دکتر سنجابی - احتیاج به تفصیل زیاد ندارد و شما و تمام مردم ایران این وضع را احساس می‌کنید. مثلا شورای انقلاب یک حکومتی است که در واقع یک نظر و قدرت مخصوصی دارد که در زمان حکومت آقای مهندس بازرگان، شورای انقلاب در همه موارد با ایشان همکاری نمی‌کرد. حالا هم که رئیس جمهور انتخاب شده است که مقام محترمی می‌باشد، شورای انقلاب و چنانکه باید و شاید اعضاء این شورا با او همکاری نشان نمی‌دهند. دوم

در مورد مردم استانهای دیگر هم صدق می‌کند و این مردم باید از راه مسالمت آمیز در یک محیط آزاد در آن اموری که مربوط به مسائل محلی خودشان است شرکت کنند، و خودشان امور داخلی خود را بگردانند. اما اموری مانند سیاست خارجی و مسئله دفاعی کشور باید به عهده دولت مرکزی یعنی تمام مردم تعیین بشود. باید ایجاد یک محیط دمکراتیک آن چنان وحدتی بوجود بیاوریم که بتوانیم استقلال خود را حفظ نمائیم و زمینه مساعدی برای تجزیه طلبان که عوامل بیگانه هستند مهیا نکنیم. هیئت ویژه که به کردستان می‌رود اشتباهاتی کرده است. باید زمینه تفاهم و همکاری را زیادتر بکنیم و گرنه با جنگ و خون ریزی و از طریق مسلحانه نمی‌توان مسائل را حل کرد.

رنجبر - دار و دسته کیانوری در نشریات خود شخصیت‌هایی مثل شیخ عزالدین حسینی و همچنین "گومهله" را وابسته به بیگانگان معرفی می‌کند در صورتی که دار و دسته حسامی و غنی بلوریان از حزب دمکرات را به عنوان نماینده مردم کردستان قلمداد می‌نمایند. نظر شما در این مورد چیست؟

دکتر سنجابی - این عادت همیشگی حزب توده است. حزب توده آن نیروهایی را که وابسته به خودشان هستند، به عنوان نماینده مردم جا می‌زند و خودش را نیز نماینده مردم قلمداد می‌کند. حال آنکه اینها هیچ جایی در مردم ندارند.

رنجبر - آمادگی جبهه ملی در مورد انتخابات مجلس شورای ملی چگونه است، آیا لیست جداگانه‌ای در انتخابات ارائه می‌دهید؟

دکتر سنجابی - جبهه ملی در این انتخابات شرکت می‌کند. البته در بعضی از مناطق که آمادگی بیشتری دارد افرادی را رسماً معرفی می‌کند. در بعضی از مناطق هم افراد دیگری هستند که رسماً عضو سازمان و تشکیلات جبهه ملی نیستند ولی هوا خواه و طرفدار هستند و دارای افکار ملی و مترقی می‌باشند. جبهه ملی از آنها حمایت می‌کند و ما امیدوار هستیم که در این انتخابات در مجلس شورای ملی یک نمایندگی موثر و مفیدی از این فکر ملت ایران بوجود بیاید تا بتواند با همراهی و کوشش سایر

رنجبر و خوانندگان

و نگران است. این آقا با ردن جیب‌های ناچسب به حزب رنجبران ایران میخواست که سیاستهای خائنانه خود را در مدرسه پیاده کند ولی غافل از این بود که مردم ما هوشیارتر از آنند که او فکر می‌کند. در ضمن کانون دانش آموزان پیشگام به طرفداری از او به حزب رنجبران ایران حمله میکردند و وقتی بحث از افغانستان و حمله نظامی شوروی به افغانستان می‌افتاد این آقا موضوع بحث را عوض کرد و این اقبالیست‌ها کمالات بشیرمی شغل پدرم و آدرس خانام را می‌پرسید و همان برنامه‌هایی که ساواکیها در رژیم فاسد پهلوی اجرا می‌کردند به پیش می‌برد.

نیروهای استقلال طلب که نمایشگاه عکس را ترتیب داده بودند به طرفداری از ما و محکوم کردن سوسیال امپریالیسم روسیه برخاستند. آن پسر آدرس دفتر حزب رنجبران را میخواست تا بیاید و مرا قانع کند که شوروی نه تنها امپریالیست نیست بلکه دوست ملت ایران می‌باشد ولی من در جواب گفتم که مبارزه ما با دو ابرقدرت آمریکا و روسیه و عملش مبارزه قهرآمیز است و بابحث حل نخواهد شد. فریبا - م - تبریز

می‌اندازند که اسلامیا، عکس چهارپاره کردند در حالیکه بچه‌ها همه گلسرخ را که انقلابی راستین و شیر دل بوده دوست دارند. در این شرایط بچه‌های اسلامی که میدانستند تمام حقه‌ها زیر سر آن دبیر فدائی است مسئله را افشا میکنند و در این میان یکمده از طرفین بهم ریخته همدیگر را کتک کاری و زخمی میکنند که البته با برنامه عاقلانه و توضیحات مدیر دلسوز آخوش همگی آشتی کرده و بوسی می‌کنند و توطئه چپ‌نماهای فدائی که راه دیگری به جز شرخری و تیغ کشی و مظلوم نمائی برایشان تمانده نقش بر آب میشود و بچه‌ها از آن دبیر با اصطلاح فدائی که قبلاً با نامه زیادی دادن برای خودش محبوبیت کاذب درست کرده بود دلزده شدند...

حالا برنامه جدید این شده که بدروغ شایع کرده‌اند اسلامی‌ها نمی‌گذارند روزنامه ما فروش برود در حالیکه همه جور روزنامه روی پیش خانهای روزنامه‌فروشی‌ها هست حالا اگر کسی نمی‌خرد تقصیر از کیست؟

سلام و درودم را خدمت اعضا حزب رنجبران ایران تقدیم داشته و پیرویشان را برای مبارزه علیه دو ابرقدرت امپریالیستی آمریکا و روسیه و عملشان خواهانم.

من یکی از هواداران شما هستم و در یکی از دبیرستانهای تبریز مشغول تحصیل. در سالن بالای مدرسه ما به مناسبت اولین سالگرد انقلاب اسلامی میهمان نمایشگاهی به نمایش گذاشته شده و در سالن پائین مدرسه نیز از طرف نیروهای از جمله دانش آموزان پیشگام - کانون دانش آموزان و طرفداران حزب رنجبران کتابهایی برای فروش به نمایش گذاشته شده است و مردم از خارج مدرسه برای دیدن این نمایشگاه می‌آیند.

پنجشنبه ۱۸ بهمن ماه پیری که برای دیدن نمایشگاه آمده بود رو به دانش آموزان پیشگام گفت که نگذارند ما رنجبر بخریم. وقتی با او وارد بحث شدیم که او حق دادن چنین دستوری را ندارد، فهمیدیم که آقا طرفدار حزب توده است و از گفته‌های او چنین پیدا بود که از مقاله‌هایی که برای افشای کیانوری و دار و دسته اش در رنجبر درج میشود خیلی ناراحت

سردبیر گرامی رنجبر ضمن عرض سلام، معروض میدارد که اخیراً "چپ‌نماها و چپ‌زده‌ها در شهر ما - که خوشبختانه یکپارچگی انقلابی در راه امام خمینی هست - دست به توطئه تولید تفرقه افکنی آنهم در پاکترین محیط‌ها زده‌اند. در یکی از دبیرستانها در سالروز انقلاب در یک طبقه ساختمان، فدائیا و جنبشی‌ها با هم و در یک طبقه دیگر اسلامیا با هم نمایشگاه عکس و علامیه بنیاد بود انقلاب ۲۲ بهمن داشته‌اند که سه روز برقرار بوده و هیچکس معترض نمیشد همانطور که امام فرموده است. در روز سوم همزمان با اخلاص گری چپ‌نماها و سوسیال ساواکی‌ها در گنبدکاوکس که بحثی در بیرون از مدرسه بین دانش آموزان ایجاد شده بود، چون چپ‌نمایان حرفشان نا حسابی بود و یکی از دبیران که خواننده رنجبر است با توضیحات برای بچه‌ها دستا خلاقان را رو کرده بود، دبیر دیگری که سمیات فدائیت یکی از بچه‌ها را تحریک میکند که شخصاً "برود

تضعیف دانشجوی خط امام تقویت خط امریکاست - پیوند ارتجاع ولیبرالیسم علیه دانشجویان خط امام افشا باید گردد. - دانشجوی خط امام افشاکن افشاءکن لیبرالیسم سازشکار رارسواکن رسواکن. - به اعتقاد ما هیچ مرجعی بیش از ملت انقلابی ایران برای آگاه شدن از اسناد صلاحیت ندارد. - از سمت بیدار استاز سازشکار ریزار است. - لیبرال، مرتجع حامی مستکبران، خمینی خمینی حامی مستضعفان.

تظاهرات را گرفتند تا پاسداران آمدند و به مردم گفتند که اینها قبلا جازه گرفتارند ولی بالاخره راه پیمائی ادا می نمایند و تظاهرات کنندگان متفرق شدند. نکات جالب این بود که مردم اولامیگفتند آقا جان امام همیشه از روز اول گفته که شرقی، نه غربی جرا اینها فقط آمریکا آمریکا میگویند و زمانی که پاسداران آمده بودند مردم میگفتند اگر قرار است با این حرکت ما، اینجا هم مثل گنبد و کردستان بشود ما حاضر نیستیم.

تحصن اهالی دشمن زیاری در استانداری فارس

فارس - ۲۴ بهمن ماه: به دنبال ماجرای کشته شدن یکی از اهالی ده روغنی از توابع دشمن زیاری به نام جهانگیر کشاورزی، عده‌ای از مردم ده در این روز در استانداری تجمع کرده و خواستار رسیدگی به این موضوع می شوند. بنا به گفته چند تن از متحصنین، جهانگیر کشاورزی همراه دوستش در حوالی ده روغنی و ده آب بید بوده‌اند که به ماشین سپاه پاسداران برخورد می کنند. پاسداران از آنجا که جهانگیر تفنگ به همراه داشته است خواهان جلب وی می شوند. جهانگیر امتناع می کند که منجر به درگیری و کشته شدن وی می شود. پس از آن اهالی ده و باز ماندگان جهانگیر در روز ۱۶ بهمن ماه در استانداری تجمع کرده و یک هفته به استانداری برای تعقیب و محاکمه قاتل یا قاتلین جهانگیر فرصت می دهند.

در تجمع بعدی یعنی ۲۴ بهمن ماه، معاون سیاسی استانداری به میان آنان می آید اما در بین صحبت، تجمع کنندگان حیاط را ترک کرده و به داخل سالن می رود که باعث ناراضی مردم می شود. بهر حال مردم ۴۸ ساعت دیگر مهلت داده‌اند تا اقدامی از طرف مراجع دیصلاح صورت گیرد.

اعتراض کارکنان دانشگاه شیراز به تبعیض میان کارمندان

فارس - ۲۵ بهمن ماه: به علت پائین بودن سطح حقوق کارمندان اداری دانشگاه شیراز در مقایسه با حقوق کارمندان آموزشی دانشگاه و کارمندان دولتی سایر ادارات بعد از مباحثات فراوان یک سری احکام جدید صادر شده که فرقی با حقوق های اولیه ندارد. به همین مناسبت جلسهای از طرف کارکنان اداری دانشکده ادبیات و علوم ترتیب یافت و در آن مطرح شد که مابرای تحکیم انقلاب هیچ گونه اعتصابی نخواهیم کرد ولی باید هر چه سریعتر تمام تبعیضها از بین برود، در این صورت برای هر چه مستحکم تر کردن انقلاب حتی حاضریم از حقوق همگی مان مقداری کم هم بشود. در پایان احکام دوباره به کارگزینی پس فرستاده شد.

طرح استانداری فارس برای بیکاران

فارس - ۲۱ بهمن ماه: از طرف استانداری فارس طرحی در رابطه با مسئله بیکاری داده شده است. این طرح به این صورت است که گروههایی بین ۱۵ تا ۵۰ نفر برای کارهای تولیدی از قبیل مرعداری - دامداری - خیاطی - تراشکاری و غیره تشکیل شود. این گروهها طرحهای خود را در رابطه با تخصص خود به استانداری بدهند و استانداری هم وامی در اختیار آنها بگذارد تا در رشته خود کار بکنند.

با و هم‌تاری نشان نمی دهند. دوم دستجات برای استقرار نظام جمهوری اسلامی فعالیت مثبت و سازنده داشته باشند. فکر ملی و استقلال طلبی و آزادیخواهی در روح ملت ایران وجود دارد، خواه یک تشکیلات معینی نماینده او باشد و یا نباشد. من شخصا افتخار می کنم که در این مدت دو سه سال اخیر تا آنجائی که در قدرت من بوده توانسته‌ام نماینده این فکر از طرف یک گروه و جمعیتی باشم و توانسته‌ام با نظام فاسد مبارزه کنم و با خواهران و برادران ملی، متدین و روحانیت مبارز همراه باشم.

رنجبر - بعد از پیروزی انقلاب مشاهده می کنیم عده‌ای با شعار های به ظاهر انقلابی مانع ادامه انقلاب می شوند، نظر شما در این مورد چیست؟

دکتر سنجابی - هر انقلابی که یک رژیم را منفرد می کند و نظام گذشته را از بین می برد، تا اینکه یک نظام قانونی برقرار شود، خواه و نا خواه یک دوران هرج و مرج وجود می آید. در این دوران یک نوع خود سربها و ملوک الطوائفی ها بوجود می آید در انقلابات فرانسه و در روسیه نیز دیده شده است. تا این هرج و مرج و بی - نظمی ها از بین نرود امکان پذیر نیست که کشوری بتواند با حال راحت به انقلاب خود ادامه بدهد. بنابراین ما باید گوش کنیم و یک نظام قانونی در کشور پیاده نمائیم. به عقیده من باید به تدریج دوران شعاراز بین برود و دوران شعور جانشین آن بشود.

رنجبر - با توجه بر اینکه مسئله کردستان کماکان ادامه دارد، نظر شما در مورد مسئله خود مختاری چیست؟

دکتر سنجابی - انقلاب اسلامی ایران یک انقلابی است که همه مردم ایران در کلیه مناطق، استان ها و شهرستانها را در بر می گیرد. مردم کردستان سالیان درازی است که با برادران دیگر خود از سایر مناطق متحداً بر علیه رژیم فاسد جنگیده و مبارزه کرده‌اند. این مردم هیچ وقت خواستار تجزیه ایران نبوده‌اند و نیستند. ولی آن چیزهایی که بعنوان تجزیه طلبی دیده می شود به دست عوامل بیگانه و از بیرون صورت می - گیرد و گرنه مردم کردستان یک مردم غیور و میهن پرستی هستند. اما همین مردم مانند مردم استان ها و شهرستانهای دیگر در شرایط سختی به سر می برده‌اند و امروز باید در یک محیط دمکراتیک و از طریق مسالمت آمیز به خواستههای آنها جواب داد. این مطلب

تصحیح

در جمله آخر مقاله "چپها و دعوت رئیس جمهور به بحث آزاد" در شماره ۲۳ صفحه اول آخرستون دوم اشتباهی رخ داده است که بدین وسیله تصحیح میشود. جمله درست عبارتست از: "لذا با فشاری بروی راه مبارزه سیاسی غیر قهرآمیز تنها سبک در دست حل تضادهای درون خلق و جلوگیری از سوءاستفاده دشمن است."

بجهت تحریر میباید شخص برود عکس گل سرخی را پاره کند. فردای امروز سر و صدا راه

آقای سردبیر محترم نشریه رنجبر با سلام - آشنائی دارم که معتاد به روزنامه "مردم" است و هر قدر سرش به سنگ واقعیهتهای مزدوری سران توده‌چی‌ها میخورد باز هم مثل صفحه خط افتاده از "پرچم ظفرنمون حزب پر افتخار ما" لاف میزند و ما هم مجلس می‌کنیم و سر به سرش میگذاریم. هزار چندگاهی هم محض تفریح مهملات نیمداری حزب طراز نوین "را که با دقت و وسواس جمع میکند می‌گیریم و محض تفریح ورق میزیم. سری این دفعه که دیدم، گذشته از جفگیات همیشگی از قبیل اینکه: پیروزی عصا زان می‌آید و میگوید ۱۵ ریال از ۲۸ سال پیش به حزب بدهکارم - تحویل بگیرید. و یا کودکی فلکش را خالی کرده برای "حزب" خود فرستاده است. . . . که این دو سه فرم داستان دیگر ریشش درآمده. و هم‌هاش برای پوشاندن ساختمان ۱۴ میلیون تومانی است.

اما در شماره ۱۵/۳۵ مینویسد: سیا ماهیانه یک میلیون دلار به یک گروه انقلابی اسلامی افغان میبردازد. ملت گرسنه‌ای که برآستی با پای برهنه روی سنگهای سرد و سخت کوهستانها از صخره‌ای به صخره‌ای میجهد و با اشغالگر میزند - البته باید از سوی

دوستان سیروس، یکی از هواداران حزب رنجبران در بندرحسن کیاده لاهیجان، طرحی پیشنهادی برای آرم حزب کشیده و برایمان فرستاده است. او درنامه‌اش علاقم مختلف طرح خود را نیز توضیح داده‌است. ما از پاسخ دوستان به دعوت حزب برای ارسال طرح‌های پیشنهادی

ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید

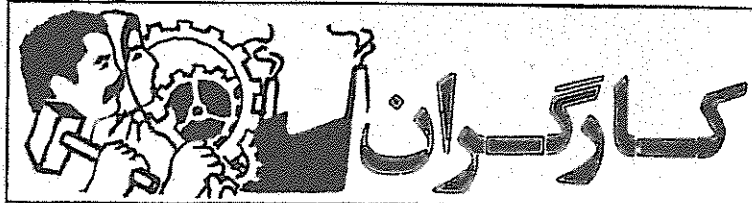
بانک ملی ایران
کفکهای خود را
به حساب بانکی زیرواریز نمائید: تهران - شعبه خیابان ایرانشهر
شماره حساب ۴۵۳۸

بجهت تحریر میباید شخص برود عکس گل سرخی را پاره کند. فردای امروز سر و صدا راه

نوکران کثیف اشغالگران متهم شود از همان چرندیاتی که رادیو مسکو در ۱۵ خرداد ۴۲ و بهمن ۵۶ میگفت ... برای کیانوری مزدور قابل تصور نیست که کسی بدون گرفتن پول، از وطنش دفاع کند! باری کیانوری شکوه کرده است که به غلط به ما تهمت کمونیستی میزنند که باید گفت غلط میکند هرکس چنین تهمتی بزند! آنچه شما را منفور کرده کمونیست بودن نیست (شما که کمونیست نیستید) بلکه نوکر حلقه به گوش روس بودن است، شیرفهم شد؟ از جمله دروغ های تکساری همیشگی "مردم" ادعای پیروی از آقای خمینی است، دست بسر قضا اخیرا اسناد حوادث (۲۱ و ۲۲ بهمن ۵۷ درآمده و معلوم شده در آن هنگامه آتش و خون - پس از آنکه نخست وزیر امام معلوم بود و ملت هم تأییدش کرده بودند حزب توده، "رفیق خسرو امیر خسروی" را بعنوان نخست وزیر خود به مردم معرفی نمودند! چه غلط بیجائی؟! این روسها چه نوکران بی خیال خود قاتلانی اما در حقیقت هالوئی دارند!

پیروز باد راه نه شرقی نه غربی خمینی بزرگ
عطاء الله جعفری
۱۳۵۸/۱۱/۲۲

جهت تهیه آرم حزب تشکر می کنیم از دیگر هواداران و کلیه خوانندگان انقلابی "رنجبر" هم می‌خواهیم که پیشنهادات خود را برای تهیه آرم حزب برایمان بفرستند تا این آرم با توجه به نظرات و پیشنهادات توده‌ها بزودی تهیه شود.



کارگران به ابتکار کنفدراسیون کارگران ایران قانون جدید کار بررسی شد

در این هفته اولین سمینار هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران برای تهیه پیش نویس قانون جدید کار در تهران تشکیل شد. اطلاعیه مطبوعاتی سمینار و قطعنامه آن که به رسانه های گروهی فرستاده شده بقرارداد زیر است:

اطلاعیه مطبوعاتی - سمینار بررسی رئوس قانون کار اولین سمینار نمایندگان کارگران مناطق مختلف ایران بمنظور تهیه پیش نویس قانون کار جدید بکار خود بیان داد. در این سمینار که به ابتکار هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران تشکیل شده بیش از ۲۰ نفر نمایندگان و کارگران از استان مرکزی، خوزستان، فارس، آذربایجان، خراسان، گیلان، مازندران و کرمانشاه شرکت داشتند. گردهمایی فوق با این اعتقاد تشکیل شده که قانون کار جدید باید با شرکت موثر کارگران تهیه و تدوین گردد.

این سمینار که تا ساعت ۸/۳۰ بعد از ظهر جمعه ۲۶ بهمن ادامه داشت پس از بحث و تبادل نظر در مورد رئوس

قانون کار جدید یعنی حقوق عمومی کارگران، تشکیلات کارگری، دستمزد، بیمه، حق اعتصاب، مسکن و بقیه مسائل کارگری با صدور قطعنامه ای بکار خود بیان داد. در این سمینار که در محل سندیکای رانندگان شرکت واحد تشکیل گردید، کمیسیونی ما مور گردید که طرح نهایی قانون کار جدید را بر اساس نظرات ارائه شده از جانب کارگران تهیه نماید.

در پایان سمینار بخش هنری هیئت موسس کنفدراسیون سرود نمایشنا مه ای اجرا کرد که مورد استقبال کارگران قرار گرفت.

در این سمینار چند میهمان منجمله تعدادی حقوقدان و حجت الاسلام علم الهدی مسئول امور کارگری و فرهنگی جنوب شهر نیز حضور داشتند. حجت الاسلام ضمن اشاره به پشتیبانی اسلام از زحمتکشان تاکید کردند که آزادی اعتصاب یک حق مسلم شرعی و اسلامی علیه ظلم و خفقان است. ایشان ضمن سخنان خود گفتند که سندیکا و شوراهای متضاد نیستند و هر کدام مسئولیتها و وظایف خود را دارند و نباید

مابعد اختلاف میان کارگران شوند. در این گردهم آیی کارگران نسبت به عدم حضور نمایندگان مطبوعات و رادیو تلویزیون که تشکیل این سمینار مهم کارگری کتابها آنها اطلاع داده شده بود، بشدت انتقاد کردند و خواهان در آمدن وسایل ارتباط جمعی از انحصار و توجه بیشتر به مسائل مردم شدند.

صنایع عدم حضور نماینده وزارت کار هم برای شنیدن حرفهای کارگران شدیداً مورد اعتراض قرار گرفت. توضیح اینکه هیئت موسس کنفدراسیون رسماً دعوت کرده بود. سند مرکزی این سمینار جزوه "قانون کار از نظر کارگران" بود. این سند توسط هیئت موسس بر اساس جواب پرسش نامه ماهی تهیه شده که از چند ماه قبل در سطح کشور میان کارگران بخشهای مختلف توزیع گردیده است. با وجودی که بر نامه سمینار، بحث پیرامون قانون کار نبود، اما کارگران، بخصوص نمایندگان شهرستانی مایل بودند که مسایل کارگری منطقه خود را بیان کنند و به همین دلیل قسمتی از وقت جلسه برای این موضوع صرف شد.

کارگران اساساً به بی توجهی مسئولین دولتی، بویژه وزارت کار، به مسائل کارگری مانند اخراج بیرویه، وضع نابسامان بیمه و یاری بودن دستمزد ها که در بسیاری مناطق پایین تر از حداقل تعیین شده برای سال جدید است اعتراض داشتند.

در پایان هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران اعتراض شدید خود را نسبت به بی توجهی مسئولین وزارت کار و عدم همکاری در تهیه محصل سمینار و تعمد برگزاری سمینار شوراها همزمان با سمینار هیئت موسس که موجب محرومیت کارگران از هر دو اجتماع شد اعلام میکند.

دبیرخانه هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران



دهقانان « دشت ارژن » خواهان محاكمه خوانین آدمکش هستند

در حدود ۱۸۰ تن از دهقانان " دشت ارژن " ، موفق شدند با مبارزات پیگیر خود بعد از ۲۴ سال در برابر دوش از خوانین " دشت ارژن " شجاعانه ایستادگی کرده و به حق قانونی خود، یعنی زمینهای که بر آن کشت می کنند برسند.

این عمل شجاعانه دهقانان با عکس العمل وحشیانه این خوانین روبرو می شود. به طوریکه این خانها با بستن عدهای در تاریخ ۱۶/۱۰/۵۸ جنگ مسلحانه ای برای می اندازند، طی این تجاوز یک جوانمرد به نام کهزاد قربانی شهید و سه نفر شدیداً زخمی می شوند، که بر روی آنان در بیمارستانهای " سعدی " و " تماری " شیراز موجود است و همچنین ۴ نفر دچار نقص عضو شده و ۳۶ نفر هم زخمی می گردند.

به دنبال این جریان آقای هاشمی از طرف سپاه پاسداران از شیراز به دشت ارژن پرونده قتل از دادگاه شهرستان به سپاه پاسداران و محکومیت سریع قاتل و دار و دستاش میباشند.

اما امروز که حدود یک ماه از این ماجرا می گذرد، هنوز این خواست مردم داغدار دشت ارژن بر آورده نشده است. یکی از اهالی ضمن تماس با رنجبر و در میان گذاشتن این مطالب خواستار درج آن در رنجبر شد و تاکید داشت که خواست مردم داغدار " دشت ارژن " ارجاع پرونده قتل از دادگاه شهرستان به سپاه پاسداران و محکومیت سریع قاتل و دار و دستاش میباشند.

در حاشیه نامه يك کشاورز به شورای انقلاب

بی بر نامه گی و عدم تطابق دستگاههای اداری با نیازهای جامعه، به انقلاب ضربه میزند

کشاورز جوانی از روستای قره باغ رنجان، نامه ای به شورای انقلاب وطنی آن نسبت به وام کشاورزی و مشکلات دریافت آن مطالبی درخور توجه نوشته است. متن کامل این نامه در روزنامه جمهوری اسلامی ۲۷ بهمن به چاپ رسیده است و نویسنده آن که قبلاً " در شهر کارمند بوده، پس از انقلاب برای برآورد

مشاع است. پس با این حال زارع از هیچیک از بانکها (کشاورزی و یا توسعه کشاورزی) نمیتواند وام دریافت کند و فقط تنها وامی که به کشاورزان پرداخت میشود، بصورت زنجیره ای و آنهم بسیار ناچیز است.

در کنار مساله زمین، کمک های دولت به امر احیاء و گسترش کشاورزی هسته، سکا، ع. که با گسست کامل

مالک بی توجه به قانون زمین میفر و شد

اهالی قریه " سه راه حسین آباد " کوتاهی " در رابطه با مشکلات خویش نامه ای به رنجبر فرستاده اند که قسمتهای از این نامه در زیر می آید:

اکنون که ملت قهرمان و مبارز در آستانه پیروزی قرار گرفته اند، و تمام عوامل اجانب را از این سرزمین بیرون رانده اند و هوشیارانه در پرتو رهبری عالیقدر امام خمینی وحدت و یکپارچگی خود را ایجاد کرده اند. ما اهالی قریه " سه راه حسین آباد " کوتاهی " نیز به اطلاع عموم می - رسانیم که سالها تحت ستم فئودالها و سرمایه داران مزدور بوده ایم و زجرها و مشقت های زیادی کشیده ایم. یکی از مالکان این ناحیه فردی به نام اسد الله پوستفروش که صدها هکتار زمین را به قیمت گزاف فروخته و هم اکنون هم به فروختن زمینها بدون توجه به قانون ادامه می دهد. خریداران هم روی زمینها کمرحال ساختمان میباشند. اما این مالک به خریداران سند رسمی بابت فروش زمین نمی دهد. ما چندین مرتبه به استانداری، دادگاه انقلاب و ... مراجعه کرده ایم ولی تا کنون به این وضع رسیدگی نکرده اند.

در ضمن اهالی این قریه از نظر آب، بهداشت و جاده در مضیقه می - باشند. بعضی ها بدون آب زندگی می کنند و بعضی ها آب را در ظرف نگه میدارند. تقاضای ما این است که به این زحمتکشان و محرومین اجتماع توجهی بکنند.

از آنجائی که حزب رنجبران حامی زحمتکشان و کارگران می باشد، خواهشمندیم این اطلاعات را در رنجبر چاپ کند تا به این امر مهم و ضروری توجه بشود.

فارس " اهالی قریه سه راه حسین آباد کوتاهی
۵۸/۱۱/۲۸

این امور را به پیش برد. در بخش دوم یعنی منطبق نبودن ارگانهای دولتی با نیازهای جامعه نیز ما عمدتاً شاهد ادامه همان سبک کار دوران گذشته هستیم. سکا، ع. که با گسست کامل

بنام خدا و بباد شهدا باعث افتخار ما کارگران است که اولین سمینار بررسی زئوس قانون کار جدید معارف با سالگرد پیروزی مندان انقلاب اسلامی ایران و بهبود حال امام خمینی را خود را با موفقیت بیایان رسانده است. این سمینار که با ابتکار هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران و با حضور بیش از دویست نفر از نمایندگان شوراها و سندیکاها و کارگران حرفه‌های مختلف تهران و شهرستانها تشکیل شده است، نقطه نظرات خود را نسبت به اصول قانون کار آینده ایران ابراز داشتند و در پایان سمینار خواستهها و نظرات خود را بشرح زیر اعلام کردند:

- ۱- ما معتقدیم که انقلاب اسلامی ایران گام بسیار عظیمی است در جهت رفع ظلم و ستم و کوتاه کردن دست امپریالیستی شرق و غرب و ملی تار رسیدن به جامعه‌ای که در آن استثمار و تبعیض وجود نداشته باشد راه درازی در پیش است، همین دلیل ما خواهان برسمیست شناختن تشکیلات مستقل کارگری در قانون جدید کار میباشیم.
- ۲- ما خواهان ۴۰ ساعت کار و دو روز تعطیلی در هفته هستیم که امکان موفری برای اشتغال بیکاران نیز میباشند و همچنین
- خواهان یکسان شدن مرخصی و تعطیلات کارگران و کارمندان میباشیم.
- ۳- ما کارگران در شرایطی که کشور نیا ز به سازندگی و عدم وابستگی به کشورهای امپریالیستی دار درآمد هر گونه فداکاری برای رسیدن به خود کفائی میباشیم.
- ۴- ما خواهان پرداخت سود ویژه به کلیه کارگران بر اساس تصمیمات نمایندگان واقعی کارگران در واحدهای خود تا قبل از ۵ اسفند ۵۸ میباشیم.
- ۵- ما خواهان ایجاد کار برای بیکاران و بیمه بیکاری برای کارگران اجرائی میباشیم.
- ۶- ما خواهان تأمین مسکن برای کلیه کارگران و محتملان میباشیم و تا زمان تأمین مسکن کارگران باید از حق مسکن متناسب با کرایه مسکن برخوردار باشند.
- ۸- ما خواهان بررسی کلیه امور مربوط به کارگران توسط خود کارگران از طریق تشکیلات واقعی کارگران و بدون مداخله دولت و گونه دخالت مقامات دولتی و کارفرمایان میباشیم.
- ۹- ما خواهان رفع هرگونه تبعیض میان کارگران زن و مرد و کارگران صنعتی و کشاورزی و خدمات و صنوف و پرداخت مورد مساوی برای عموم کارگران ایران در برابر کار مساوی

- ۱۰- ما خواهان بیابان شده طرح طبقه بندی مشاغل بر اساس ارزش کار در کلیه واحدهای تولیدی با شرکت موثر نمایندگان واقعی کارگران میباشیم.
- ۱۱- ما خواهان استفاده رایگان از خدمات درمانی و بیمه‌های اجتماعی برای کارگران و تحصیل رایگان تا سطح دانشگاه برای فرزندان کارگران میباشیم.
- ۱۲- ما خواهان تعیین دستمزدها بر اساس تورم هزینه زندگی میباشیم.
- ۱۳- ما خواهان بیمه بازنشستگی بر اساس تورم هزینه زندگی میباشیم. بازنشستگی برای کارهای عادی باید بر اساس ۲۵ سال سابقه کار بدون محدودیت سنی و یا ۲۰ سال سابقه کار و ۵۰ سال سن باشد. میزان سابقه کار برای کارهای سخت باید کمتر و متناسب با شرایط آن کار باشد.
- ۱۴- ما شرکت کنندگان در سمینار بررسی زئوس قانون کار، مصرأ خواستار شرکت نمایندگان هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران در تدوین قانون کار جدید میباشیم.
- درود بر رهبران انقلاب ایران انام خمینی
- پایدا را در جمهوری اسلامی ایران مستحکم با دوحده کارگران ایران

نامه يك كارگر

دوست عزیز از خوانندگان "رنجبر"، نامه‌ای بنا نوشته و طی آن در باره ماده ۳۳ قانون کار طاعت و جلوگیری لغو آن و جلوگیری از اخراج کارگران، پیشنهادی نموده است. این کارگر در نامه خود راجع به ایجاد صندوق بیمه بیکاری میگوید: "بظرف مناجحه کارفرمایان چنین صندوقی هم تهیه نماید این چاره اساسی کار نمی‌تواند باشد. زیرا در موقع اخراج کارگران، کارفرما مجبور است مبلغی تحت عنوان حق اخراج (سالی ۱۵ تا ۳۰ روز)، حق مسکن، حق خواربار، حق اولاد و ... پرداخت نماید. پس کارفرما از پرداخت پول برای اخراج کارگران ابا ندارد حال آنکه کارفرما کارگرانی را عملاً اخراج می‌نماید که مبارر و فعال باشد و برای گرفتن حق و حقوق کارگران قدم پیش گذاشته و مبارزه نمایند."

نارمند بوده، پس از انقلاب برای برداشتن دامداری راهی روستای زادگاه خود شد اما در عمل با مشکلاتی مواجه گردید که ادامه کار برای او غیر ممکن شده است. او در بخشهایی از نامه خود خطاب به شورای انقلاب میگوید: "میخواهم مشکلی را مطرح کنم که در سطح رابعین روستاهای ایران عمومیت دارد... اخیراً "کوشش دولت در زمینه کمک به زارعین به منظور تولیدات کشاورزی و دامداری مشاهده میشود و سعی برای این است که کشاورزان این مملکت تقویت شوند تا ایران دیگر از نظر مواد غذایی محتاج به جهانخواران شرقی و غربی نباشد. شعار و عنوان موضوع بسیار خوب و بجاست. اما تقویت زارع و در وهله اول شناخت زارع با ضوابط گذشته، مخرب و موجب سوءاستفاده های افراد فرصت طلب خواهد شد. در حال حاضر نفوذ الیها بهتر و ام دریافت میکند. چون شرایط و مقررات بانک شامل حال کسانی خواهد بود که یا خانه شهری چند میلیون تومانی برای رهن داشته‌اند و یا زمین مفروز یعنی زمینی که حدود مشخصش کاملاً معلوم باشد و این دو شرط به هیچ وجه شامل حال زارعین نمیشود. چون زارع بهیچ وجه خانه شهری چند صد هزار یا میلیونی ندارد و در ضمن اکثر اراضی که در دست زارعین است، بصورت

* گنبد : دید ...

انقلاب را " توطئه ضد انقلاب " بدانند و به آن بر حسب بزنند. همه مطالبهای این دید " توطئه جویانه " را در حوادث کردستان، انزلی، در گیری اول گنبد و ... بخاطر داریم. این مسئولین این طور استدلال می کردند که انقلاب شده است و دولت ملی است، " پس " دیگر مردم مسئله‌ای ندارند و هر حرکت اعتراضی غیر عادلانه است و توطئه‌ای ضد انقلاب. این دید از نظر طبقاتی مربوط به بوروکراتهای اداری مانده از رژیم قبل بوده و هست که نمی‌خواهند هیچ تغییر جدی و انقلابی در وضع کشور بوجود آید. و یا از جانب دیگر، دید بخشی از انحصار طلبان است که حرکت نودهای مردم برای رفاه در دست گرفتن سر نوشت خویش را مخالف منافع انحصار گرایانه خود می دانند. اما واقعیت آن است که در کشور ما انقلاب سیاسی شده است و هنوز نهاد های سیاسی مانده از رژیم سابق

دولت به امر اجبار و ستم و بوروکراسی و دامداری و جگونگی این کمکها، یکی از مهمترین مسائل روستائیان و کشاورزان پس از انقلاب بشمار آمده است. کمکهای دولت در زمینه های کشاورزی و دامداری، تا کنون نه تنها قابل ملاحظه نبود بلکه اساساً "بدلیل وجود بوروکراسی دولتی و عناصر بوروکرات باقیمانده از گذشته، این کمکها و وامها جنبه صوری و نمایشی بخود گرفته است و شاهد این ادعایز خود کشاورزان هستند که طی نامه‌هایی به مسئولین دولتی و مطبوعات از این روش نادرست بریده بر میدارند. امروز همه ما صحبت از خودکفائی و تأمین مایحتاج صنعتی و کشاورزی در داخل ایران، مینمائیم. رسیدن به خود کفائی بدون برداشتن قدمهای اساسی و مشخص امکان ناپذیر است. بنظر ما در این زمینه آنچه که تا کنون اخلال ایجاد کرده از دو مشخصه بر خوردار بوده است: ۱- بی برنامه‌گی، ۲- عدم تطابق دستگاههای دولتی با نیازهای جامعه. در بخش اول یعنی بی برنامه‌گی، تا کنون ما شاهد سبک کار عکس العملی از جانب دولت بوده ایم. در صورتیکه ناگفته پیداست که کشاورزی و دامداری و ... زمینه‌های اساسی و تعیین کننده‌ای در جهت قطع وابستگی از امپریالیسم هستند و نمیتوان بی هدف و سرگردان

موجودند، هنوز ظلم و ستم و حق کشی و استثمار، به ویژه در مورد زحمتکشان و ملیتهای تحت ستم موجود است. دهقانان زمین و راه و آب، کارگران کار و مزد مکفی و بیمه و بهداشت و مسکن، ملیتها خود مختاری و امنیت و ترقی اقتصادی می خواهند و هنوز نظام اداری کشور اساساً با نظام گذشته تفاوت چندانی نکرده است. این مسائل، حرکت های اجتماعی و سیاسی مردم را بر ضد این نهادهای باقی مانده از طاغوت بوجود می آورد و این حرکتی انقلابی و بحق است. به حق است چون ضد ستم و استثمار است، انقلابی است چون با روئیدن و جارو کردن بقایای طاغوت، پایه‌های بازگشت ضد انقلاب را می‌زند و انقلاب را تحکیم می کند. روشن است که بوروکرات های بالای اداری که کارشان حفاظت از دستگاههای حامی ظلم و ستم بوده دل خویشی از حرکت انقلابی مردم علیه خود ندارند و لذا به این حرکات مردم

هستیم، سبک کاری که با گسست کامل از توده‌ها عمل میکند و در آخر هر ماه بیلان کاری نمایشی عرضه میدارد. بنابراین دولت باید هر چه زودتر برنامه‌های مبتنی بر حمایت از دهقانان و کشاورزان را تدوین نموده و با سرعت تمام کلیه نیازهای ضروری تولیدکنندگان این بخش را، اعم از وامهای صنعتی، تأمین بذرو علوفه، راهسازی و کانال کشی و ... را بر آورده سازد. این برنامه ریزی و پیشبرد آن بدون وجود دستگاهی اداری که در این جهت بطور صحیح حرکت نماید، نه قابل طرح است و نه تحقق میابد. دستگاههای دولتی را که تنها حقوق و مزایای کارمندان تمام درآمد نفت ایران را می‌بلعد، باید از نوسازمان داد و بسا روحیه خدمت بخلق نوسازی نمود. روحیه دروغ پردازی و انتشار آمار و ارقام غیر واقعی، قوانین و مقررات دست و پا گیر و زائد، باید بدور انداخته شوند. تلفیق این دو مشخصه بطرز صحیح، یعنی برنامه ریزی بلند مدت و کوتاه مدت کشاورزی و دامداری از یکطرف و سازماندهی دستگاههای دولتی بطرز نوین و آموزش کارکنان آن در جهت نیازهای جامعه از طرف دیگر، گامی بلند و مطمئن در راه تولید محصولات دامی و کشاورزی و قطع وابستگی از امپریالیستها خواهد بود.

بر حسب " ضد انقلابی " میزنند. این سیاست نا درست که از جانب برخی از مسئولین موجب میشود که دولت ملی در برابر مردم قرار گیرد و ضد انقلاب و منحرفین بتوانند از این امر سوء استفاده کنند، لذا می بینیم که در واقع این بوروکرات ها و انحصار طلبان اند که خواسته یا نا خواسته به ضد انقلاب کمک می کنند. نه، انقلاب پایان نیافته است و حرکات و جنبش های مردمی برای رفاه تعیین سرنوشت و استقلال، به حق و انقلابی است. باید مسائل را شناخت و جدا به پای حل آنها رفت، نه اینکه با بر حسب توطئه ضد انقلاب زمینه را برای ضد انقلاب فراهم کرد. بر خورد جدید مسئولین به مسئله ترکمن صحرا و گنبد و قبول مسائل عینی بوجود آورنده اوضاع این منطقه گام نوید بخشی در جهت اصلاح این دید انحرافی " توطئه جویانه " از اجتماع و حرکات اجتماعی است اما هنوز باید با این دید که وسیعاً موجود است به مبارزه پرداخت

تدارك نظامی روسیه برای جنگ سوم

اگر اعمال نظامی روسیه در سال ۱۳۴۷، نظائر خصمت امپریالیستی روسیه بود، اشغال افغانستان توسط این ابر قدرت در سال ۱۳۵۸ نمایانگر آغاز تهاجم نظامی این ابر قدرت در سطح جهانی است. دولت روسیه در عرض ۱۲ سال گذشته با تمرکز در تولید وسائل نظامی و تقویت ارتش برای نفوذ در کشورهای خارجی بودجه هنگفتی صرف تدارک برای تهاجم جهانی نموده و هم اکنون خاک کشور برادر افغانستان را بر مینای استراتژی آسیای خود اشغال نموده است. اشغال نظامی افغانستان نشانه استراتژی توسعه طلبانه جهانی شوروی در سالهای آینده است. لذا بررسی سیاستهای نظامی شوروی از نقطه نظر صلح جهانی و بخطر انداختن استقلال کشورهای شروع جنگ حائز اهمیت جدی میباشد.

برتری روسیه نسبت به آمریکا

رقیب اصلی سوسیال امپریالیسم روس، آمریکا است. تاریخچه گسترش سلاحها و بودجه نظامی شوروی در دهه اخیر را باید در رابطه رقابتش با ابر قدرت آمریکا مورد بررسی قرار داد. هدف روسیه از این رقابت برتری بر آمریکا و در نتیجه بزیر سلطه کشیدن مناطق مهم و سرگردگی بر جهان میباشد. در این رقابت لحام گسیخته دو نکته حائز اهمیت است.

۱- از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۷ روسها بودجه نظامی خود را از ۲۲۶۰۰۰ میلیون دلار به ۱۲۰۰۰۰ میلیون دلار افزایش داده که نرخ رشد آن معادل ۸ درصد در سال میباشد. آمریکا در همین سالها بودجه نظامی خود را که بخاطر مشکلات اقتصادی داخلی بطور نسبی کاهش داده و رشد آن هیچگاه از ۳ درصد در سال بیشتر نشد. شوروی بودجه نظامی خود را از ۷ درصد تولید ناخالص ملی در سال ۱۳۴۴ به ۹ درصد در سال ۱۳۵۷ رسانید در حالی که بودجه نظامی آمریکا از ۸/۴ درصد تولید ناخالصی به ۵/۳ درصد تقلیل یافت. این آمار نشان میدهد که بودجه نظامی شوروی نسبت به تولید ناخالص کشور درصد بیشتری را نسبت به آمریکا کسب نموده است.

۲- بین سالهای ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۱ علی رغم منع سلاحهای استراتژیکی

افکند موحد مرسوم آمریکا بررسی خود را نسبت به روسیه در زمینه سلاحهای مختلف استراتژیکی اردست داده است. در زمینه رند سلاحهای انبی و بمبهای نوترونی ابر قدرت آمریکا با خاطر اعتراض نیروهای مخالف چنین سلاحهایی در داخل و خارج این کشور که از طرف روسها نیز دامن رده میسد، عقب افتاده ولی دولت روسم بدون توجه اعتراضات جهانی قادر گردید تا آزمایشات انبی وسیعی را انجام داده و قدمهای سریعی در تکامل بمبهای هسته ای بردارد.

استراتژیک تهاجمی روسیه

از اواسط سال های ۱۹۶۰ یعنی زمانیکه برزف به قدرت رسید ارتش روسیه بحالت تهاجمی درآمد. تاگید شوروی بر روی ساختن سلاحهای تاکتیکی و مثلا سلاحهای بالیستیکی که چند هدف را تعقیب می کنند و دارای چند کلاهک انبی هستند یعنی موشکهای اس اس ۱۷، اس اس ۱۸، اس اس ۱۹ و اخیرا "اس اس ۲۰" و همچنین بیترت در دقیق نمودن سلاحهای نابود کننده هدفهای نظامی در آمریکا و اروپا متمرکز شد. روسها همچنین نیروی زمینی خود را با ساختن سلاحهای پیشرفته ای نظیر تانکهای "تی-۷۲" و "بی ام تی" و خود روهای جنگی پیاده نظام مجهز نمودند. و نیز نیروی دریایی خود را با ساختن زیر دریاییهای حامل موشک بالیستیکی هسته ای نظیر "نوع د" و "اس اس ان ۱۸" جهت خدمت به نیروی زمینی مجهز نمودند.

همچنین نیروی دریایی خود را با ساختن ناو هواپیمابر نظیر "تین" و "مینگ" و ناوگان حامل موشکهای هدایت شونده هسته ای "سوتسکی سویاس" گسترش داده و هم اکنون نیز در حال ساختن بندرها و پایگاههای عظیمی برای ناوگانها و زیر دریایی های در دست ساختن در سواحل روسیه در آبهای بین المللی میباشد. ساختن ناوگانهای جدیدی که از ناوگانهای دریایی آمریکا بزرگتر و مجهزتر باشد نیز هم اکنون در دست تهیه میباشند. در بخش نیروی هوایی، روسها با ساختن بمب افکنهای "بگ فایر" و جنگنده های با کیفیت بالا نظیر "میگ

تحکیم مواضع خود بوسیله هوا و زمین در مرزهای ایران و پاکستان بار دیگر قدرت تهاجمی خود را علیه کشورهای همسایه نشان داد. از جمله خصوصیت یک ارتش تهاجمی تاکید بر حملات برق آسا و غافلگیر کننده است. مستو بطور وضوح بیان کرده که این نوع حمله موثرترین نوع در جنگهای آتی است. این نیروی در بسیاری از تمرینهای سلاحهای استراتژیکی و تعدیبات ارتش این کشور دیده میشود برای مثال شوروی تمرین با سلاحهای استراتژیکی خود را در روزهای تعطیل، شبها و سحرگاهان انجام میدهد. تا بدین وسیله خود را برای یک تهاجم ۲۴ ساعته و ۷ روز در هفته آماده کند. هواپیماهای نابرد پرواز طولانی بطور عمده در شب مانور میدهند. تهاجم شوروی به چکسلواکی در سال ۱۹۶۸ (۱۳۴۷) سبب نموده تا حطمی آسیای روسیه با سلاحهای کلاسیک بود. شوروی در این حمله از تاکتیک مذاکره و خام کردن کشور مورد تهاجم استفاده کرده به بهانه تمرین نظامی، سربازانش را

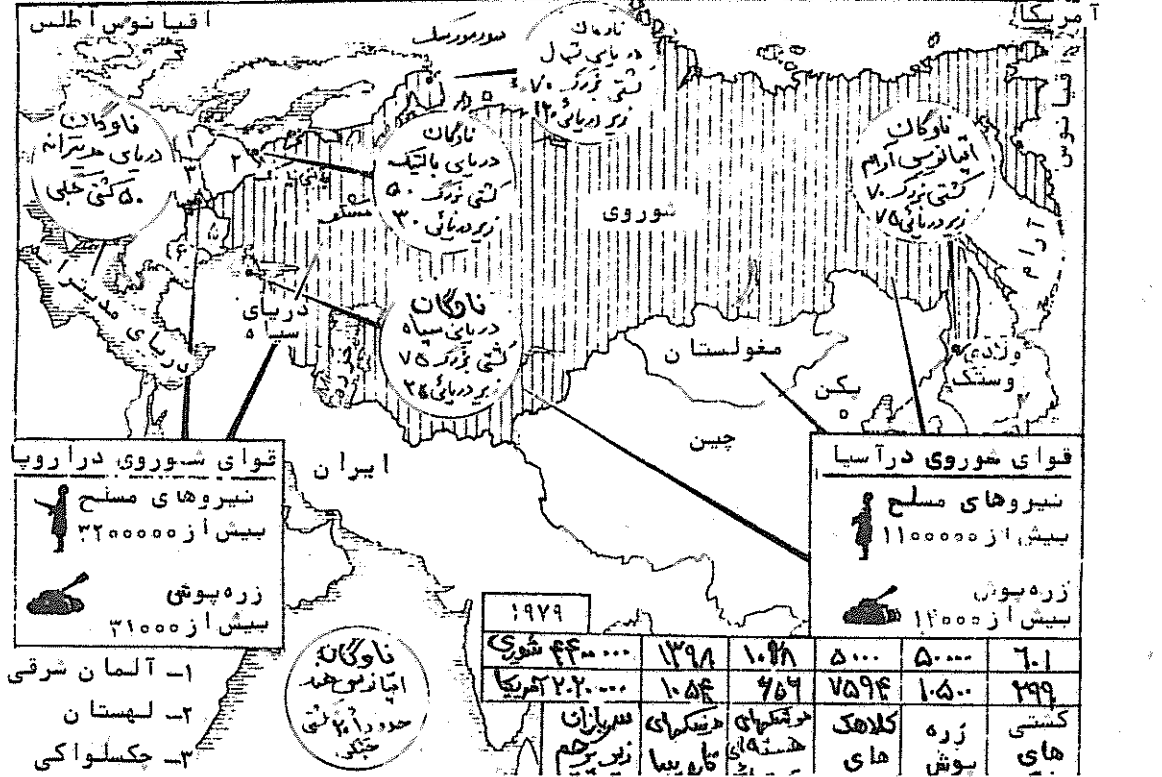
در مرزهای روسی روسها از جنگ آینده تغییر نمود و گفتند که "ممکن است جنگ انبی نباشد، ممکن است جنگ کلاسیک و یا جنگ جهانی و یا جنگ محدود باشد" در هر صورت سیاست شوروی بر مبنای اشغال کشورهای جهان سوم و دوم که لزومی به استفاده از سلاحهای انبی و موشکی نداشت و همچنین حمله با سلاحهای انبی به کشور رقیب یعنی آمریکا تنظیم گشت و در کل بر وقوع حتمی جنگ صحه میگذاشت. و لذا برای تمام شکلهای مختلف جنگ خود را آماده نمودند. بر مبنای چنین ارزیابی ارتش جنگ آینده علاوه بر گسترش سلاحهای استراتژیکی انبی، در عرض ۱۰ سال گذشته روسیه بیش از یک میلیون نفر یعنی ۳۰ لشکر به نیروی های نظامی خود افزود. در عرض همین مدت مانورهای سلاحهای غیر انبی از حیث پیدا کردند بطوریکه از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۸، ۵۰ درصد مانورهای ارتش روسیه در اروپا غیر انبی بوده و بیشتر از این مقدار نیز در آسیا انجام گرفته

۶۸ درصد نیروی رسمی ۷۰ درصد نیروی دریایی و ۷۴ درصد نیروی هوایی و ضد هوایی روسیه در این قاره انباشته شده است. اغلب سلاحهای دور برد و میان برد روسیه متوجه اروپای غربی است. ۳۱ لشکر از این ارتش در اروپای شرقی مستقر هستند که نیمی از آنها جزو بهترین و مجهزترین لشکر زرهی روسیه میباشند. ارتش روسیه در آلمان شرقی متجاوز از ۱۰ لشکر پیاده نظام موتوریزه و ۱۰ لشکر تانک میباشد که بطور مستقیم کشورهای مرکزی اروپا را در خطر جدی قرار داده و تهدید میکند. بین از یکسال است که حمل و نقل سلاحهای روسی در اروپا بگونه ایست که برای نفوذ سریع شرایط این قاره مناسب میباشد. در آسیا نیز روسیه ۱۰ کل لشکر خود را که بالغ بر ۱/۱ میلیون سرباز میشود مستقر نموده، ۵۰ لشکر نیروی زمینی همراه با ۱۴۰۰۰ تانک، نیروی عظیمی است که روسها با اصطلاح جهت حفظ صلح در این قاره متمرکز نموده اند.

اس. جنوب شرقی آسیا حلقه دیگری از این رنجبر بزرگ اسارت بر کشورها و حلقهای جهان میباشد. توسعه طلبی سوسیال امپریالیست در جنبه های شرقی و غربی تنها با تقویت نیروی دریایی این ابر قدرت امکان پذیر است از اینرو روسها سخت در تلاش هستند تا پایگاههای جدیدی در منطقه اقیانوس هند و آرام و اطلس بدست آورند در حال حاضر بیش از ۵۰ کشتی جنگی روسیه در دریای مدیترانه و ۲۰ کشتی جنگی نیز در اقیانوس هند در حال آماده باش هستند روسها هم اکنون اجازه استفاده بیش از ۴۰ پایگاه دریایی و هوایی در سواحل مدیترانه و اقیانوسهای هند، کبیر و اطلس دارا میباشند.

در اوضاع کنونی فشار اصلی روسها در اروپاست ولی آنها بگونه ای ارتش و استراتژی نظامی خود را تنظیم کرده اند که بتوانند مواضع خود در جنبه آسیا را همچون اروپا تحکیم نمایند. ولی کنترل روسها در جنبه شرق و غرب مطمئن بودن از جنبه جنوبی بی فایده است. از اینرو جنبه جنوبی را نیز با بسیج مزدوران و پیتنامی و کوبانی و شعله ور کردن جنگ های منطقه ای و تسخیر لاوس و کامبوج تحکیم نموده و حلقه محکم دیگری به این رنجبر آویخته اند. مطمئنا در جنبه شرقی روسیه برای استراتژی روسیه منطقه خلیج فارس بعنوان منطقه تولید مواد خام استراتژیکی دارای اهمیت درجه اول میباشد. در این زمینه است که رسیدن به دریای عمان و کنترل بر تنگه هرمز و از این طریق بستن راه عبور نفت به اروپا برای روسها حیاتی است در پرتو چنین نقشه جنگ جهانی است که باید تجاوز به افغانستان را ارزیابی نموده دل به قول و قرارهای سوسیال امپریالیسم در خروج از این کشور خوش نمود.

روسیه مصمم است که منطقه خلیج را ببلعد لذا ایران، پاکستان و ترکیه نیز هدف بعدی او خواهد بود. با تمام گسترش نظامی و نقشه های استراتژیکی تجاوزی روسیه، این ابر قدرت امپریالیستی همچون همالگش با رکاغذی است نباید از روسیه ترسید، زیرا امپریالیستها نیروی تجاوزگرو نالحق هستند. اگر دولت روسیه جهت سرگردگی بر جهان این چنین به نقشه



علی‌رغم منع سلاحهای استراتژیکی جنگی که بین دو ابر قدرت بسته شده بود، روسیه به افزایش سلاحهای استراتژیک خود پرداخت بطوریکه هر ساله ۱۵۰ موشک تازه پیمما و ۵۰ زیر دریائی بارادار ساخت و باین ترتیب در عرض ۷ سال سلاحهای استراتژیک جنگی روسیه بیشتر از آمریکا شد. و روسیه توانست ضعف خود را در این زمینه چه از حیث کمی و چه کیفی جبران کند.

زمانیکه مسابقه اتمی آمریکا و شوروی به یک فاز جدیدی از لحاظ کیفی رسید، روسیه تاکید را بر روی ساختن سلاحهای خنثی کننده سلاحهای آمریکا قرار داد. ساختن سلاحهای بالستیک با برد زیاد که در آن واحد چند هدف را مورد اصابت قرار میدهند، و تاکید روی دقت آنها هدف رادارخانه روسها گردید. شوروی در این زمینه حتی زودتر از آنچه آمریکا تصور مینمود از این کشور پیشی گرفت. اگر با دقت بیشتری به کارنامه رقابت تسلیحاتی دو ابر قدرت نظر

جنگنده‌های با کیفیت بالا نظیر "میگ ۲۷"، "اس-۱۷" و "اس-۱۹" و سایر جنگنده‌های تاکتیکی و همچنین هواپیماهای نقل و انتقالی با برد متوسط و زیاد مانند "ای-۱۰۰" که همواره ظرفیتش را جهت حملات با برد زیاد و حملات زمینی و حمل و نقل‌های استراتژیک زیاد می‌کند مجهز نموده‌اند. شوروی در جنگ ۱۹۷۶ آنگولا و ۱۹۷۷ اوگاندا توانائی نظامی خود را با حمل و نقل سریع جنگ‌افزارها و آتش زدن به جنگهای منطقه‌ای نشان داد. قدرت غافلگیر کننده روسیه در جهان سوم و حمل مقدار زیادی از وسایل جنگی در مدت کوتاه بوسیله نیروی دریائی و هوائی نشان قابلیت این قدرت تهاجمی فاشیستی در تجاوز به استقلال کشورها و اشغال نظامی آنان میباشد.

در اشغال اخیر افغانستان روسیه با محاصره صدها پادگان در مدت کوتاه چند روزه و فرستادن ده‌ها هزار سرباز و ارسال مقدار زیادی لوازم جنگی و تسخیر کابل و در ادامه

روسیه برای همه‌نوع جنگ خود را آماده میکند

در زمان خروخف جنگ اتمی بعنوان تنها جنگ آینده تبلیغ میشد. روسها معتقد بودند هر کشوری که صریح اتمی اول را وارد کند، در تحلیل نهائی برنده جنگ است. لذا در آن دوره تاکید بر روی ساختن سلاحهای هسته‌ای و موشکهای تازه پیمما و هواپیماهای حامل بمب بود و عمدتاً جنگ کلاسیک توسط روسها نفی میشد. در

است، و باین ترتیب روشن میشود که این مدافعین دروغین "صلح و سوسیالیسم" خود را برای دونهوع جنگ آماده نموده‌اند.

به دلایل سیاسی و جغرافیائی روسها همواره مشکل جنگیدن در دو جبهه شرق و غرب را داشته‌اند لذا برای غلبه بر چنین مشکلی روسیه به گسترش وسیع نظامی در سطح دریا و زمین همت گمارده و سعی نموده تا بوسیله بندست آوردن پایگاه‌های جدید به مابین حلقه‌های استراتژیکی در سطح جهان کنترل اوضاع را در جنگ آینده کاملاً در دست داشته باشد. هم اکنون شوروی بیش از ۳/۲ کل نیروهای مسلح خود یعنی ۱۱۰ میلیون نفر معادل ۱۱۰ لشکر همراه با ۳۱۰۰۰۰ تانکرادر اروپا مستقر کرده

زوسها در ۱۹۷۹ نیز نیروی جدیدی را در شرق دور، جنوب شرقی آسیا همراه با نیروی دریائی مجهز خود مستقر نمودند از جمله در سال ۱۹۷۸ تعدادی از زیر دریائیها و کشتی‌های بزرگ جنگی و کشتی‌های کمکی و سوخت‌گیری روسیه از اروپا به آسیا منتقل شده در سال ۱۹۷۶ ناو هواپیما بر "مینسک" به نیروهای روسیه در اقیانوس آرام پیوست. شوروی پایگاههای "کام‌ران"، "دانانگ"، "هوسی مینه" و "هاینانگ" در خاک ویتنام را جهت تجاوز به کشورهای منطقه در اختیار گرفته و حتی موشکهای برد متوسط نظیر اس اس ۲۰ خود را در این منطقه مستقر نموده و از این طریق چین و ژاپن و حتی قاره آمریکا را نیز در زیر چتر اتمی خود قرار داده

سرگردانی بر جهان آیین چنین به نقشه‌های جنگی خود جامه عمل می‌پوشاند، ولی از سوی دیگر در داخل کشور با مشکلات و بحرانهای شدیدی روبروست. آهنگ رشد اقتصاد کشور تنزل کرده، فساد و بیکاری افزون گردیده و تضاد ملیت‌های غیر روس با دولت متجاوز تشدید گردیده است. در سطح جهانی نیز سلطه طلبی این ابر قدرت مقاومت اکثر کشورها و ملت‌ها را برانگیخته و رشد مباحثه رزه‌خیزهای جهان سوم و مقابله و مسرت کشورها باعث گردید که تدارک جنگی روسیه برای تسلط بر جهان به تعویق افتد. هر اندازه این مقاومت و مبارزه رشد نماید این جنگ بیشتر به تعویق خواهد افتاد. تا زمانی که کشورها و خلقهای جهان سوم در مقابل سلطه طلبی شوروی با اتکا به نیروی خود ایستادگی نموده و اتحاد خود را علیه دو ابر قدرت بیشتر فشرده نمایند، استراتژی جنگی سوسیال امپریالیسم مهاجم روس و تلاشهای سیادت طلبانه آمریکا با شکست بیشتری مواجه خواهد شد.

دانشگاهها سنگر...

فاشیست و جنایتکارند. آنها دائماً "فریب‌داد با اصطلاح "دمکراسی خواهی" و "وای فاشیسم آمد" سر میدهند و به جوانان میهن پرست "فالانژ" میگویند اما خودشان وقتیکه مثلاً "سالن یک دانشکده یا یک گوشه حیاط خلوت مدرسه و دانشگاهی را در اختیار گرفتند، خصلت جوجه فاشیستی و فالانژیسم واقعی خود را بنمایش میگذارند، در این خیال که شکست سیاسی خود را در گوشه و کنار حیاط و سالن دانشکده‌ها جبران کنند. رهبران جبهه ماها انقیاد طلبان و سرسپردگانی اند که از نفرت مردم به خط منی انحرافی خود آگاهند و برای پوشاندن ماهیت سازشکار و وابسته خود، اتهام و برجست "سازشکار و وابسته" به دیگران و بخصوص به نیروهای مستقل و میهن پرست میرسند.

اما نیروهای استقلال طلب عمیقاً "وازمیم قلب بسته حقانیت مواضع خود و به پیروزی نهائی خود ایمان ندارند زیرا به توده‌ها و نقش تاریخی ساز آنها اعتقاد دارند. پشتیبانی

توده‌های وسیع از شعارها و مواضع استقلال طلبانه ما در همان درگیری دوسویه در دانشکده علوم و لغت و نفرت توده‌ها نسبت به مزدوران روسی و عمکاران جنایتکار و انقلابی‌نما، ایمان رفقا و هواداران ما را به پیروزی نهائی انقلاب و نابودی کامل امپریالیست‌ها و مزدوران‌ش پیش از بیش تقویت نمود.

ما با ایمان به حقانیت و درستی مواضع استقلال طلبانه و شعار "نه آمریکا، نه روسیه" از همه مردم فرمان میهنان می‌خواهیم که اجازه ندهیم دانشگاه به سنگرونیاهنگامه شنی وابسته به ابر قدرتها و انقیاد طلبان تبدیل گردد. هم اکنون در سینه‌ساری از دانشکده‌ها مزدوران روسیه با گرفتن جبهه‌ها و انقلابی‌نماها زیر چتر خود، میکوشند با عوام‌مفریبی و بنا تظا هر چه دادن "شعارهای ضد آمریکائی" خط منی امپریالیسم روسیه را در دانشگاه‌ها غالب کنند. میکوشیم با جا رو کردن این مزدوران، دانشگاه را همچنان بعنوان سنگر دفاع از استقلال

و آزادی و در خط انقلاب حفظ کنیم.

ما با الهام از سالها مبارزات افتخار آفرین و حوین دانشجویان مبارزان دانشگاه علیه رژیم وابسته یه‌لوی و علیه امپریالیسم آمریکا، از کلیه دانشجویان میهن دوست، مبارزان کلیه نیروهای انقلابی اسلام مبارز، ملی گرائی مترقی و سوسیالیسم انقلابی می‌خواهیم که هر چه فشرده تر و متحد تر به فعالیت و مبارزات پیگیر خود در دانشگاه‌ها ادامه دهند و با پای فزاری بروحدت نیروهای استقلال طلب، اجازه ندهند این سنگر تسخیرنا پذیرضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی، از درون تسخیر شده و بسته جولانگاه وابستگی به بیگانه تبدیل شود.

ما با توجه با اینکه بسیاری از جوانان، هوادار جبهه ما و انقلابی‌نماها و حتی بسیاری از هواداران باندهای نوری منفور و مطرود، تحت تاثیر تبلیغات عوام‌مفریبانه آنها قرار گرفته‌اند از همه هواداران

صادق اینها می‌خواهیم که هر چه عمیق تر توجه کنند که رهبران ورشکسته و مطرود آنها در مقابل خلق جقدر فالانژیستی و ارتجاعی عمل میکنند و در مقابل دشمنان خلق و امپریالیسم جقدر سازشکارند. آیا با بالو بردادن به اینگونه سردمداران، سپیدراهدی‌ها و سیرک‌کاران‌های آینده را نمی‌پروانید؟ آیا "صدای پای فاشیسم" نمی‌آید؟ آیا وقت آن نرسیده

☆ انتشار پیام

در مورد سند دیالکتیک مارکسیستی پرداخته‌اند و بدین ترتیب مشوق شیوه درست بحث و محادله اصولی میان مارکسیست‌ها و اسلامی‌ها شده‌اند.

در مجموع، مجله "پیام انقلاب" نشان دهنده یک گرایش اصیل و سالم اسلام مبارز است که می‌کوشد با وفاداری به خط انقلابی امام بخصر در زمینه استقلال ملی و مبارزه علیه دو ابر قدرت آمریکا و شوروی، به آگاهی نیروهای رزمنده اسلامی و به خصوص پاسداران دلیر کمک کرده و در عین حال به اشاعه بیش از آراده مناسانه، برخورد خلاق عقاید و آراء و بحث آزاد میان نظرات میدان دهد.

است که بمیان خلق و به توفان مبارزات استقلال طلبانه و انقلابی میلیونی مردم باز گردید؟

پیروزی جنبش استقلال طلبانه حتمی است و انقلاب راه خود را بدست توانمندی توده‌های خلق میگشاید، میکوشیم تا دانشگاه را نیز به سنگری جدانشدنی از مبارزات انقلابی و استقلال طلبانه مردم میهن مان تبدیل کنیم.

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

مدیر مسئول - علی حجت، سردبیر - فرامرز وزیری

نشانی - خیابان انقلاب جنب سینما رویال خیابان را مسرکوجه آراسته شماره ۱۷

نشانی پستی - تهران صندوق پستی ۱۴۰۱-۳۱۴ تلفن ۸۲۰۶۹۱ چاپ سکه

شهدای خلق و انحصار طلبی تلویزیون

... و هم و بیست و هفتم پس ماه، مصداق یا سالگرد شهادت خسرو گل سرخی، دانشیان و گروه ابودریود. مردم مادر این روز سالگرد شهادت فرزندان به خون خفته خود را گرامی داشتند. طبق معمول صیدا و سیما جمهوری اسلامی، راه دیگری را پیش گرفت، یعنی کوچکترین اشاره ای به سالگرد شهادت گل سرخی و دانشیان نکرد. مسلما این عمل تلویزیون نمیتواند مورد تأیید مردم باشد. چه، شهید متعلق به تمام مردم است و مردم آنچه را که متعلق به آنهاست دوست دارند و آن را ارج مینهند. این را همه میدانند که در

صادق، رضائی، مفیدی و... در دفاعیات خود، ضمن دفاع از اسلام مبارز، به دفاع از انقلابیون ما رخصیست پرداختند و شهادت دادند که خون جوانان مسلمان و ما رخصیست، توسط یک دشمن و در یک محل ریخته میشود و یا شهید گل سرخی در دادگاه فاشیستی شاه، دفاع از مارکسیسم را با دفاع از اسلام مبارز در هم می آمیزد. ارضیه شهدا، وحدت برای انقلاب است و نه انحصار طلبی و خلق از انحصار طلبی بیزار است و به همه شهدای عزیز خود ارج مینهد و یاد آنها را گرامی میدارد.

* پایان کنفرانس ...

بگذارد. این وحدتی است غیر اصولی و بدون پیگیری. "کنفرانس وحدت" از نوع دوم بود. شرط و شروط ورود به کنفرانس چنان انتخاب شده بود که این گروهها و سازمانها بتوانند در آن وارد شوند و آن وصلت نامشروع انجام گیرد. گروهها و نظراتی که "کنفرانس" مزبور را بیشتر به نمایشگاه عرضه کالا - های جورا جور شادت داده بود، تا نشستی بر سر وحدت مارکسیست - لنینیستها.

جالب تر آنکه شرکت کنندگان در "کنفرانس"، وحدتی را که قادر نگردیده بودند در درون گروه خود بوجود آورند، میخواستند در جریان "کنفرانس"، خلق کنند. مثلا "زحمت" و "حقیقت" یا "پیکار" "نبرد" و "آرمان" که فقط مدت کمی قبل از شروع کنفرانس از یکدیگر جدا شده بودند. یعنی آن قدر اختلافات درونی داشتند که دیگر قادر به تحمل هم نبودند. ولی حالا به معجزه کنفرانس میخواستند نه تنها با یکدیگر بلکه با عدهای بیشتر متحد گردند.

اما، باید دید اشکال اصلی و انتقاد اساسی در این زمینه در کجاست. به طور خلاصه آن را باید در خط مشی "کنفرانس وحدت" جستجو کرد. اختلافات گروهها و سازمانها تا آنجا بود که در هر مسئله، "کنفرانس" میبایست به توافقاتی می رسید. این وضع "کنفرانس" را تابع سیاست روز به روز ساخته بود که تنها مشخصه اش "ایوزسیون" جمهوری اسلامی ایران بودن است. شاهد را باز هم در حول جزوه پنج گروه و سازمان می آوریم. "در زمینه همکاری های مشترک، سیاست، برنامه و ضوابط روشن وجود نداشت و کنفرانس در این موارد بعضا به صورت خود بخودی و دنباله روانه

● مجاهدین و...

امپریالیسم آمریکا مذبحخانه تلاش میکنند تا آب رفته را بجوی بازگردانند و حاکمیت امپریالیسم آمریکا را در قالبی جدید از نو برقرار سازند. عمال امپریالیسم روسیه و در رأس آنها باندکیا نوری در حزب توده نیز تلاش میکنند. آزادی خلق از بنیاد وابستگی به آمریکا را به زندانی شدن در بند امپریالیسم روسیه تبدیل کند. در کنار این باند تبهکار، رهبری غاصب چریکهای فدائی خلق و مشتاق معده و مدارا جویان و سازشکاران با روسیه نیز قرار دارند. بر اساس نکات ذکر شده، مابعد - آسانترین - و اصولی ترین - راه حل در مجادله اخیر بر سر مشی سازش با شرق چند تن از رهبری "سازمان مجاهدین خلق" پیشنهاد نمودیم که آنها برای اثبات غلط بودن اتهامات وارده به ایشان، در مورد امپریالیسم روسیه و بویژه در ارتباط با تجاوز آشکار فاشیستی سوسیال - امپریالیسم روسیه به افغانستان موضع صریح اتخاذ نمایند تا فاش شود هر که در او غش باشد.

امانشریه "مجاهد" در شماره ۲۴ خود طی مقاله "تحلیلی بر کنفرانس پاکستان و مساله افغانستان" بوضوح نشان میدهد که آنچه در مورد تعدادی از اعضای رهبری "سازمان مجاهدین" در ارتباط با سازش با شرق مطرح شده نه یک اتهام و برچسب بلکه واقعیتی تلخ است. این مقاله بخوبی درک بغایت نه درست و واژگونه نویسنده را در مورد ماهیت امپریالیسم روسیه و خصومت

ناسزا میدادند. از عمق فاجعه، از بین رفتن صدها آدم، نابود شدن محصولات کشاورزی، خانهها، دامها و... حرف میزدند و... از دولت و ارتش و... خرده می گرفتند که کاری نگردانند. محوطههایی که این گروهها و دستهها اشغال کرده بودند

نجا و زگران و استیلا حویا - آن نشان میدهد: همه میدانند که تجاوز روسیه به چکسلواکی در سال ۱۳۴۷ نشان برجسته دکترین برژنف و سرآغاز تهاجمات آشکار و امپریالیستی تزارهای نوین در سراسر جهان بود. اما منطق "فدا امپریالیستی" نویسنده مقاله، روسیه را "مجبور" به لشکرکشی به چکسلواکی و مقاومت توده های خلق در چکسلواکی علیه متجاوزان را "واکنش اقشار رمتماپل به اقتصادیا فرهنگ سرماپه داری" تلقی میکند. با چنین تحلیلی از اشغال فاشیستی یک کشور توسط چکمه پوشان روسی، روشن است که در مورد اشغال افغانستان توسط همان سیستم فاشیستی به نتایج مشابهی برسد، اگرچه بنا بر "محضورات" آنرا در پوششهای "ایستا" و "پویا" و قس علیهذا پیوشا ننسند. نویسنده در "جوهر انساان شناسانه خود" و در بسیج همه گیری گریخا طررها ئی از همه اجبارا ت غیر تکاطی (۱) حمله روسیه و اشغال نظامی افغانستان را در دید "استاتیک" مثبت و مشروع تلقی میکند و تنها در تحلیلی "دینامیک" است که کمی عقب زده و نمیتواند بر آن تماماصح "نهدا".

شما نظام سوسیال - فاشیستی روسیه را "نظام فداستثماری" می انگارید و بدتر آنکه: شما نه تنها اشغال نظامی یک کشور غیر متعهد جهان سوم توسط یک ابر قدرت امپریالیستی را محکوم نمیکند، نه تنها با خلق افغانستان در مبارزه اش بخاطر استقلال و بیرون زادن متجاوزین همیستگن نمی کنید، بلکه بکاری دست زده اید که حتی باندکیا نوری هم از انجام عملی آن اگراه دارد: شما برای روسیه امپریالیستی و رژیم دست نشانده بیسگر کارمل نسخه مینویسید و توصیه میکنید که چگونه عمل کنند تا اعمال جنایتکارانه فاشیستی شان "محاه" حله گ شده شما

انتشار پیام انقلاب

را تبریک میگوئیم

هفته گذشته نخستین شماره مجله "پیام انقلاب"، هفته نامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منتشر گردید. در سرمقاله توضیح داده شده که مجله "پیام انقلاب" از این پس بجای هفته نامه "پاسداران" که به قطع روزنامه منتشر می شد، انتشار می یابد. خط مشی عمومی مجله ادامه همان خط مشی هفته نامه "پاسداران" یعنی دفاع از انقلاب اسلامی و رهبری امام خمینی، دفاع از رئیس جمهور منتخب مردم، مبارزه علیه دوا بر - قدرت آمریکا و شوروی و دفاع از فرهنگ اسلام مبارز است.

در این شماره بویژه مقالات متعددی در افشای تجاوز شوروی به افغانستان، کوشش های آمریکا و متحدینش در رقابت با شوروی و صف آرائی این دو ابر قدرت در خلیج فارس درج گردیده است. در مقاله ای تحت عنوان "اگر سالت بمیرد" برده از روی "برتری موشکی شوروی نسبت به آمریکا" برگرفته شده و چنین اعلام شده است: "شوروی رها از هر دغدغه خاطری به تولید سلاح های جدید می بردازد".

در بخش ایدئولوژی، نویسندگان مجله اقدام به درج مقاله ای از شهید مطهری نموده اند که در آن به اتکاء ایدئولوژی اسلامی به مجادله تئوریک بقیه در صفحه ۴

● هیئت تحقیق

در ایران امکان پذیر نیست و افشاء و بررسی این جنایات در سطح وسیع جهانی حقانیت انقلاب ما را بیشتر خواهد کرد و آنرا تقویت خواهد نمود. اما این خبر هم هست که ساپروس و نس (وزیر خارجه آمریکا) بدست و پا افتاده است که اختیارات این هیئت تحقیق را به بررسی عملکرد شخصی شاه محدود کند. این تلاش است از طرف امپریالیستها جهان خوار آمریکا تا جنایات خود را بیوشا نند و از افشا شدن غارت و ستمی که سالهای سال به مردم ایران روا داشتند جلوگیری کنند.

● همبستگی مردم...

از انقلاب خود، دستاوردهای آن و از جان و مال و زندگی خود با تمام وجود پاسداری و محافظت نمایند. حادثه سیل خوزستان، شاهد

یا اصولی بود و در کنفرانس مصمم شده بودند آن اصول را کنار بگذارند تا به وحدت برسند. واقیقات نشان دادند که اولی درست است. یعنی آنها برای رسیدن به وحدت اصول را کنار گذاشته بودند. جزوه پنج گروه فوق الذکر به روشنی و صراحت با این امر اذعان دارد. درباره اصول و ضوابط این وحدت می نویسند:

"پاره‌ای از گروهها ... بدین نتیجه رسیدند که بایستی این ضوابط تغییر کند و با اصطلاح تعدیل شود تا نیروهای دیگر جنبش نیز بتوانند در کنفرانس گرد آیند." از جمله این تعدیل‌ها کنار گذاشتن اندیشه مائوتسه دون برای رسیدن به وحدت است. و این کار را آنقدر پراحتی انجام می‌دهند که گویا مارکسیسم در عرض ۵۶ سالی که از مرگ لنین گذشته غنا و تکامل بیشتری نیافته و اصولا اندیشه مائوتسه دون زیاد به تئوری عام مارکسیسم مربوط نیست. در نتیجه می بینیم وحدتی را که "کنفرانس وحدت" در جستجویش بود از پایه ایدئولوژیک و تئوریک وحدت مارکسیستها جدا و تهی شده بود.

۲- لنین گفت برای ایجاد وحدت باید مرز بندی روشن و قاطعی با اپورتونیسم از انواع مختلف داشت. این مرز بندیهای روشن و قاطع برای کمونیستها تنها در حیطه حرف و قلم نیست، بلکه بیش از هر چیز در حیطه مبارزه و عمل است. اما "کنفرانس" وحدت" که می خواست بهر قیمتی شده این سازمانها و گروهها را "متحد" نماید، از همان آغاز خود را از این اسلحه محروم ساخت و مرزهایش با مرزهای اپورتونیسم قاطعی شد.

آنجا که جدال اصلی خلق های ایران یعنی مبارزه برای استقلال، برداشتن پرچم پیشرو یعنی مبارزه با دو ابر قدرت آمریکا و شوروی، پیشاهنگان راستین کمونیستی را متحد و فشرده می سازد، "کنفرانس وحدت" با دار و دسته کیانوری و رهبران غاصب چریکهای فدائی همصدا شده و به زیر بیرق اپورتونیستی "امریکادشمن اصلی است" می خزد. آنجا که جواب به مسئله ملی در ایران محکی برای سنجش بینش ضد امپریالیستی کمونیستهای - سود و نشان میدهد که آیا چون لنین و استالین و مائوتسه دون مسئله ملی را جزئی از مبارزه پرولتاریا و ملل ستعدیده جهان علیه امپریالیسم می دانند یا هنوز در اوهام اپورتونیستهای

عمل می کرد ... نتیجه این چنین سیاست روز بروز و دنباله روانهای چیزی جز قاطی شدن مرزهای "کنفرانس وحدت" با مرزهای سیاسی رویزونیستها و اپورتونیستها نمی توانست باشد و ما در یکسال گذشته شاهد همین واقعیت بودیم.

۳- و بالاخره لنین، اپورتونیسم تشکیلاتی را مضر بحال وحدت اعلام می کند و آنرا قاطعانه رد می نماید. اما "کنفرانس" گویا با چنین امری آشنایی ندارد. "کنفرانس" بنام وحدت مارکسیست-لنینیستها شروع بکار میکند و ما در واقع بیشتر برجسته واحدی در پارلمان میماند. بگذارید از بیانییه همان پنج گروه سازمان مثال بیاوریم: "کنفرانس بر خوردی لیبرالی و دنباله روانه نسبت به مسائل جنبش و همچنین عملکرد گروهها بویژه در رابطه با مناسبات متقابل داشت، این امر بویژه در نبودن نظامنامه و ضوابط تشکیلاتی و تعهدات متقابل نمود می یافت.

ویا "برخورد های ناسالم و غیررفیقانه و نوعی عدم اعتماد و پیش داوریهای بین گروهها وجود داشت. برخی گروهها اختلافات و ابهامات را بجای آنکه از طریق مبارزه ایدئولوژیک و برخورد مستقیم و صادقانه و رقیفانه حس و یا روشن سازند از راههای نادرست و از راه طریق دامن زدن به شایعات و از راه برخوردهای شخصی و گروهی ناسالم صورت می دادند.

دیگر فکر نمی کنیم اینها را که نقل کردیم چیزی بجز همان تشبیهی است که آوردیم. بخصوص اگر بایسین مسائل واقیقاتی مثل سرگردی طلبی و تلاش برای خوردن یکدیگر را نیز اضافه نمائیم. تاریخ و تجربه بما یاد میدهند که نمیتوان برای وحدت مارکسیست-لنینیستها حرکت کرد ولی در زمینه تشکیلات از اصل اساسی تشکیلاتی مارکسیستی یعنی مرکزیت دمکراتیک طفره رفت و بجایش لیبرالیسم و فراکسیونیسم را جانشین ساخت. زیرا نمی توان در جریان وحدت اپورتونیسم و مارکسیسم را مخلوط کرد و یا بجای یکدیگر نهاد. وحدت معنایش یکی شدن است. هم

ار لحاظ ایدئولوژیک سیاسی و هم تشکیلاتی. ولی این کار را با دسته بندی و لیبرالیسم نمیتوان عملی ساخت. از همین سه نکته میتوان دریافت که "کنفرانس وحدت" همانطور که از آغاز آشکار بود محکوم به شکست بود اما آنچه از تجربه یکساله "کنفرانس" می

جنب و جوش تودهها، حماسه آفرینی آدم های بی نام و نشان، ایثار و فداکاری همه اقشار و طبقات خلقی، بود که با حرکت عظیم و سازنده خود بر طبیعت سرکش و رام نشدنی غلبه کردند و امر بد را به امر خوب و فاجعه و مصیبت را به نمایش عظیمی از وحدت و همبستگی مبدل کردند.

این سیل، در عین حال عرصهای بود تا مدعیان "طرفداری" از زحمتکشان هم خود را به نمایش بگذارند و فاصله و جدائی خود را از تودهها بیش از پیش آشکار سازند. هواداران رسمی دار و دسته رهبری خائن حزب توده به سوراخهای خود خزیدند و به دادن یک اعلامیه اکتفا کردند. آنچه که بجای ماند، نمایش حرکت توده های میلیونی بود از یک طرف و حرکت گروهها و دسته های فرصت طلب که با نیت بهره برداری از فاجعه سیل برای تبلیغ برای خود به میدان آمده بودند از طرف دیگر.

فعالیت گروهها و دسته های فرصت طلب، در حالی صورت می گرفت که سیل تودهها به سوی جهاد سازندگی سرازیر شده بود و مردم بدون هیچگونه تظاهر و با کمال علاقمندی به یاری سیل زدگان شتافته بودند. تردد و رفت و آمد فشرده و متراکم مردم به جهاد سازندگی لحظه ای قطع نمیشد و افراد جهاد و کلیه کسانی که با آنها همکاری میکردند با علاقه، شور و شوق و بدون آنکه صحبتی از خستگی در میان باشد روز و شب کار میکردند و کمکهای اهدائی مردم را به سیل زدگان میرسانیدند.

گامیون های متعددی که از طرف ارتش در اختیار جهاد قرار گرفته بود مرتباً از داوطلبان متعددی که برای کمک آمده بودند پر می شد و مردم مصمم و فداکار را برای کمک به سیل زدگان به مناطق سیل زده می رسانیدند. و همه اینها در حالی بود که گروهها و دسته های فرصت طلب خیمه و خرگاههایی برای خودشان درست کرده بودند و تمام نیروی خود را جمع کرده و آنها را به رخ مردم میکشیدند.

اگر در حوزه فعالیت جهاد جنب و جوش و فعالیت و رفت و آمد ... بود، در اطراف چادرها - خیمه و خرگاه گروهها و دسته های ... تجمع راکد و ساکن آدمهای پرمدعا و وراج دیده میشد که به "بورژوازی-لیبرال" و "ارتجاع" و ... فحش و

بروسها و دست سس برده بودند با علم و کتل و شعارهای رنگارنگ پوشیده شده بود و به اصطلاح "رفقا"، گروه گروه ایستاده و بحث میکردند. ...

آنجا هم که عمق فاجعه آنها را اجباراً به حرکت درآورد، "رفقا"، پرچم های خود را به دوش گرفته و خود را به دریای مردم زدند. در اینجا هم، آنها از تودهها جدا افتادند و مردم آنها را از صفوف خود طرد کردند. هرچاکه سرولکه "رفقا" پیدا میشد، مردم از آنها می پرسیدند که: "برای چه کاری آمده اند؟ برای کمک یا برای تبلیغ؟" و به آنها میگفتند که: "اگر برای کمک آمده اید باید پرچمهایتان را جمع بکنید".

با مردم که صحبت می کردی، همه به این گروهها و دستهها بد می گفتند و از آنها عصبانی بودند. مردم میگفتند: اینها روی کیسه های شن مال خودشان "مهر" سازمان خود را می زنند.

در جزیره "مینو"، یکبار "رفقا" را بخاطر اینکه حاضر نشده بودند "پرچم" هایشان را رها کنند، از جزیره بیرون کردند. دفعه دیگر هم که "رفقا" بارعایت "اصول مخفی کاری" (۱) مخفیانه به جزیره رفته بودند، به علت تبلیقاتی که علیه دولت کرده و به مردم گفته بودند که "باید برای درست شدن وضعتان مسلح شوید"، مردم با چوب و سنگ به دنبال آنها افتاده بودند و آنها را از جزیره بیرون کرده بودند.

اینها گوشه‌هایی بود از آنچه که در روزهای گذشته منطقه خوزستان شاهد آن بود. هواداران حزب رنجبران در خوزستان بدون پرچم حزب و همراه توده های مردم در حرکت عظیم و توده ای که برای کمک به سیل زدگان به راه افتاده بود، شرکت کرد و تمام نیرو و امکانات خود را برای کمک به هموطنان سیل زده بسیج نمود. آنچه که مردم منطقه انتظار دارند اینست که از هم اکنون باید به فکر پیشگیری از سیل های بعدی بود. اقداماتی باید صورت بگیرد تا بتوان از وقوع سیل های بعدی و در صورت وقوع از میزان تلفات و صدمات آن جلوگیری کند. تودهها آماده اند تا بر اساس یک برنامه حساب شده، به جنگ طبیعت روند و سرزمین و کاشانه خویش را از نو بسازند.

شان موجّه جلوه گر شود؛ شما به روسها توصیه میکنید تا قبل از خروجشان از افغانستان "از هیچ آزادی دمکراتیک دریغ ننمایند تا اشغال این کشور پیمانه ترس از حمله آمریکا ها" مورد پذیرش مردم قرار گیرد. و برای ببرک کارمل مزدور و خائن به وطن نسخه تشکیل دولت و وحدت خلقی "می پیچند تا بدون نیاز به حضور سربازان شوروی" هم قادر به وطن فروشی و نوکری روسها باشد!

شما با این مواضع چگونه میخواهید با خشم توده ها روبرو شوید. سازش با شترنوش محافظه کارانه ترین لقبی است که میتوان باین مواضع داد. شما این جدائی عمیق از اساس انقلاب اسلامی ایران، از خواست توده های میلیونی و از آرمانهای موسسین سازمان مجاهدین خلق را برای اعضا صادق خودتان که قلب اکثریت مطلق آنان صادقانه برای خلق و انقلاب می طپد چگونه میخواهید توجیه کنید؟

"سازمان مجاهدین خلق" با برنامه ای خلقی و انقلابی و توسط راد مردانی بنیانگذاری گشت که سالها در جو خفقان فاشیستی محمد رضا شاه مبارزه کرده و بخاطر انقلاب و خلقی در زیر شکنجه جلادان ساواک قهرمانانه شهادت رسیدند. در صفوف این سازمان هزاران مبارزان نسل جوان مبارزه کرده و میکنند. جوانانی که با خلوص نیت و صداقت انقلابی حاضر به مبارزه و فداکاری اند. ما امیدواریم که این سازمان با درس گیری از تجربیات مثبت و منفی کار خود، راه مدارا جوئی و سازش با امپریالیسم روسیه که توسط عده ای معدود در پیش گرفته شده را قاطعانه طرد کرده و از این طریق با قسار گرفتن در موضع میلیونیها توده انقلابی، خدمات موثری به ادامه انقلاب اسلامی ایران بنماید.



جنویری هستند. اما مردم ما میدانند که حاکمیت رژیم شاه مخلوع در ایران در واقع حاکمیت امپریالیسم آمریکا بر کشور ما بود و مسئولیت اصلی جنایات ۳۵ ساله اخیر نیز بر دوش امپریالیسم آمریکا است که از طرف رژیم وابسته اش بر ملت ما اعمال میشد.

از اینرو ما با دیدن افشاری کنیم که وظایف این هیئت تحقیق باید وسیع و دربرگیرنده بررسی عملکرد امپریالیسم آمریکا در ایران باشد. با این کار ما با دیدن اهداف دوگانه ای را دنبال کنیم:

۱- افشای جنایات امپریالیسم آمریکا در ایران در خدمت مبارزات خلقهای ستمدیده در سطح جهانی است تا این ابرقدرت جهان خوار نتواند به بهانه ای با اصطلاح "کمک" به ملل جهان سوم برای مقابله با تعرض سوسیال امپریالیسم شوروی در دنیا، با ردیگر بر مناطق نفوذ قبلی خود با زگردد یا آنها را تحکیم کند.

۲- افشای جنایات امپریالیسم آمریکا یک مبارزه سیاسی با ضد انقلاب وابسته به غرب در داخل کشور است تا اینکه آخرین زمینه های سیاسی برای او خشک شود و آمریکا نتواند از مسائل درون کشور ما بسود توپخانه های خود سوء استفاده کند.

از اینرو آمدن هیئت بررسی جنایات رژیم شاه با ایران باید مقدمه جنبش سیاسی و ضد امپریالیستی باشد تا توده های وسیع خلق آموزش هرچه بیشتری از عملکردهای امپریالیسم ببینند تا اینکه بیشتر از پیش به جنگی حفاظت از منافع ملی مان در مقابل امپریالیستهای غرب و شرق در تمام زمینه های عیبات اجتماعی و سیاسی کشور آگاه شوند تا اینکه هم بگذارند امپریالیسم صربه خورده آمریکا برگردد و هم بگذارند امپریالیسم سواخته روسه از مبارزه ضد آمریکا کنای آنها منع خود سوء استفاده کند.



رویدادهای جهان



یک فرودگاه به تصرف مبارزان افغانی درآمد

یونایتد پرس - پیشاور - بر اساس گزارش مبارزان افغانی روز ۲۹ بهمن نیروهای شوروی دست به حملات شدید زمینی و هوایی بر علیه جریکهای افغانی در ایالت جنوب شرقی پکتیا زده اند. سخنگویان مبارزین در پیشاور همچنین اظهار داشتند که مبارزین افغانی یک فرودگاه سوق الجیشی را در فیض آبا واقع در ایالت شمال شرقی افغانستان بنام بدخشان بتصرف خود در آورده اند و با این اقدام راههای ارتباطی و آذوقه رسانی و مهمات بر روی نیروهای دولتی محاصره شده بسته شد. در جریان این جنگ تاکنون ۲۵۰ سرباز شوروی و ۵۰ مبارز افغانی کشته شده اند، دوجت شوروی و ۱۷ تانک این کشور نیز از میان رفته است. این سخنگو گفت: چنین به نظر میرسد که حمله در اطراف سه شهر "سیتا کندا" و "تیرا" و "دوماندی" متمرکز است. مبارزین افغانی در سردهای اخیر چندین شهر

از جمله مهمترین مرکز ایالت "لاغمین" و همچنین در یک مورد جریکها شهر "علی شنگ" را به تصرف در آورده اند. این عمل بدنیال شورش سربازان افغانی و کشتن مستشاران روسی شان و پیوستن به مبارزین مسلمان انجام گرفت. این سخنگو اظهار داشت که مبارزین بر روی ستونهای ارتش روسها در راههای اصلی که این راهها شامل بزرگ راهی است که جلال آبا در ابه کابل و راهی که کابل را به شهر بزرگ غربی هرات متصل میکند، آتش می‌گشایند.

اخیرا مبارزین افغانی شاهراهها را در کنترل میگیرند بطوریکه ارتش شوروی مجبور است با هواپیما برای افراد خود به شهرها آذوقه حمل کند. تلفات بعدی سنگین است که بسیاری از مجروحان نظامی افغانستان برای معالجه به آلمان شرقی اعزام میشوند.

سیاست جدائی از آرمان خلقهای عرب محکوم به شکست است

دنیال امضای فرار داد صلح کسب دیوید، رژیم سادات بینارسیس در راه جدائی از آرمان مشترک خلقهای عرب و فلسطین گام بر میدارد. برجم اسرائیل برای اولین بار در یک کشور عربی برافراشته شد و مناسبات دیپلماتیک و سیاسی بین مصر و اسرائیل تا حد ایجاد سفارتخانه و شناسایی کامل یکدیگر پیش میرود.

رژیم سادات راه سازش و مناسبات با صهیونیسم و امپریالیسم آمریکا را در پیش گرفته است. راهی که سادات می‌پیماید آنجا که راه دوری آرمان خلقهای عرب و جدائی از مجموعه

کشورهای عربی بوده، محکوم به شکست است.

فرار دادها و بیمنهای صلح جداگانه هیچوجه نمیتواند یک راه حل واقعی برای تحقق خواستهای مردم عرب منطقه باشد بلکه بیشتر موفقیت اسرائیل غاصب را تحکیم می‌بخشد و با دامن زدن به فرقه در صفوف ملت‌ها، حاکمات امپریالیسم و صهیونیسم را تداوم می‌بخشد.

عزیزه صلح پایدار در منطقه تنها از طریق افدام متحدانه خلق‌ها و کشورها و از طریق شناسایی خلق فلسطین و مبارزه در راه تحقق آن میسر خواهد بود.

خودکشی ژنرال روسی

ژنرال ویکتور پاپوتین سر دسته چکمه پوشان روسی در افغانستان (از زمان امین) که مسئول قتل امین و دار و دسته‌اش می‌باشد، توسط رهبران کرملین به مسکو فرا خوانده شد و در پدو ورود به مسکو در فرودگاه "خودکشی" کرد.

ظاهرا دستگاه امنیتی کا. گ. ب. و سواس زیادی برای حفظ اسرار سیاسی و نظامی خود بخرج میدهد و موثرترین راه حل را پیدا کرده است.

قبلا منابع خبری غرب اعلام کرده بودند پاپوتین در افغانستان کشته شده است.

روسها اکنون داستان دیگری در مورد جوگنکی کشته شدن امین را پیش کشیده و می‌گویند او در یک درگیری در قصر خود، در موقع ورود عده‌ای از نظامیان روسی به قصر، اشتباها کشته شده است.

به نظر می‌رسد روس‌ها درگیر تضادهای پیچیده‌ای در مورد روی کار آوردن بزرگ کارمل، قتل دو دست - نشانده قبلی (تره کی و امین) و ناسامانی اوضاع فعلی رژیم افغانستان هستند.

رویدادهای سیاسی

سپاه پاسداران فارس

دشمن شماره یک خلقهای دنیا دو چهره دارد: آمریکا و شوروی

فارس - ۱ اسفندماه بدفتر سیاسی فرهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فارس در جزوه‌ای که اخیرا منتشر نموده است راجع به دشمن شماره یک خلقهای جهان و شیوه‌ی کنونی مبارزه‌ی ما برای حفظ استقلال و شکوفائی اقتصاد ملی مطالبی نوشته شده است که قسمتهائی از آن را در زیر میخوانید:

"دشمن شماره یک همه خلقهای آزادخواه دنیا امپریالیسم است امپریالیسم غارتگری و چپاول مادی و معنوی مردم که دو چهره دارد شرق و غرب که گاپیتال امپریالیسم غرب یعنی آمریکا و سوسیال امپریالیسم شرق یعنی شوروی. هر یک به تنهایی دو روی یک سکه هستند. مبارزه ما هم با تمام امپریالیست‌هاست چه شرقی و چه غربی. این درست نیست در حالیکه مملکت شدیدا به تولید و اقتصاد آزاد نیازمند است برای اضافه حقوق کارخانه را تعطیل کنیم بلکه میبایست تولید را بالا ببریم و در عین حال با مراجعه به مراجع قانونی و مردمی مشکلات صنفی خود را نیز حل کنیم و بسا کشاورزان بجان یکدیگر بیفتند و خدای نکرده کشت و حاصل کار هم را از بین ببرند در حالیکه ابرقدرتها میخواهند ما را در تحریم اقتصادی نگاه دارند."

فعالیت مجدد دانشجویان مبارز شیراز بدون «پیکار»

به دنبال خروج دانشجویان هوا دار " سازمان پیکار . . . " از صفوف " دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر " که از دانشجویان طرفدار " خط سوم " تشکیل یافته بود، اعلامیه‌ای از طرف " دانشجویان مبارز . . . " دانشگاه شیراز منتشر گشت که قسمتهائی از آن را نقل می‌کنیم:

" رفقا! همان طور که می‌دانید تشکیلات دانشجویان مبارز شیراز . . . در طی دوران چند ماهه فعالیتش پس از قیام بر شوه بهمن ۵۷ با مشکلات، انحرافات و بن بست های فراوانی در ادامه کار خویش روبرو بود. یکی از این انحرافات، تز " تشکیلات مستقل هوا دار " سازمان پیکار بود که آن چنان تشکیلات ما را به هم ریخت که جبرانش کوشش فراوان و دوباره می‌طلبید. فقدان مبارزه ایدئولوژیک، عمل خود سرانه و سکتاریستی دانشجویان هوا دار پیکار . . . مانع از این شد که بر سر این دیدگاه بحث خلاق، وسیع و همه جانبه صورت گرفته و ما بتوانیم به دفاع از تشکیلات خود بپردازیم . . . در این زمان ما . . . بر آن شدیم تا با مبارزه ایدئولوژیک پیکار با تز " تشکیلات هوا دار " و دیگر انحرافات انحلال طلبانه و همراه با فعالیت همه جانبه از انهدام تشکیلات خویش جلوگیری کنیم ."

ما نباید از ترس آمریکا بدامن شوروی بیفتیم

آقای قطب زاده وزیر خارجه، در یک مصاحبه مطبوعاتی با خبرگزاری یارسیس از بازگشت از سفر اروپائی خود در مورد ایجاد کمیسیون بین المللی بررسی جنایات شاه مخلوع و دیگر مسائل کشور و بین المللی صحبت کرد و در آخر این مصاحبه بار دیگر بر خط اساسی نه شرقی نه غربی انقلاب تکیه گذارده و گفت: " ما باید در صحنه سیاست بین المللی استقلال خود را حفظ کنیم و از گرایش به شرق یا غرب پرهیز کنیم و از ترس

جنگ ایران با انحصارات ادامه دارد

سازمان انرژی اتمی ایران قرار داد خود را با شرکت یوریدیف فرانسوی لغو نمود و بدنیال آن این شرکت وام یک میلیارد دلاری ایران را که شاه مخلوع به موسسه انرژی اتمی فرانسه داده بود توقیف کرد شاه مخلوع در واقع منظور از اعطای این وام، پرداخت مبلغ رشوه‌ای بود تا اجازه یا بددر با زار بین المللی اورانیوم وارد شود. قرار داد های مربوط به انرژی اتمی و طرح های نیروگاه های اتمی از جمله مدیرکل شیلات شمال این بار تقصیر کمبود ماهی را به گردن

اسارتبارترین قرارداد های امپریالیستی بود که امپریالیستها به کمک شاه به ملت ستفید ده ایران تحمیل کردند.

لغو این قرارداد های چند میلیارد دلاری اقدام برای باز پس گرفتن وامهایی که شاه مخلوع بی دریغ نتایج آن خواران کرده بود، لطمه بزرگی به حساب و کتاب انحصارات بزرگ میزند هم اکنون جهان سرمایه داری درگیر یک بحران خاد اقتصادي و اجتماعي و اضافه تولید میباید در عین حال ایران استقلال میخواهد، یعنی نمیخواهد صرف کننده بنجل های امپریالیست. بوده و آزادانه

رویدادهای اقتصادی

نمایشگاه صنایع استان فارس

«استعدادهای کامل، تجربه زیاد ولی دستها خالیست»

شیراز - ۲۷ بهمن - اخیرا در شیراز نمایشگاهی از تولیدات کارگاههای دوب فلزات به مدت دو هفته بر پا شده است. این نمایشگاه نمونه کوچکی است از خلاقیت کارگران و صنعتگران ایرانی که سعی و تلاش دارند که تا حد امکان کشورهای را از کالاهای خارجی بی نیاز کنند.

یکی از واحدهای تولیدی شرکت شیراز . . .

شیراز - ۲۷ بهمن - اخیرا در شیراز نمایشگاهی از تولیدات کارگاههای دوب فلزات به مدت دو هفته بر پا شده است. این نمایشگاه نمونه کوچکی است از خلاقیت کارگران و صنعتگران ایرانی که سعی و تلاش دارند که تا حد امکان کشورهای را از کالاهای خارجی بی نیاز کنند.

یکی از واحدهای تولیدی شرکت شیراز . . .

چهار ماهه، ده ای

کننده در این نمایشگاه کارخانه پروژه باقی شیراز است. حدود ۸۰ در صد از قطعات فلزی (چرخ دنده، شافت، فنر و ...) در خود کارخانه ریخته می شود و تراش داده می شود اما لوازم برقی این کارخانه فعلا ۱۰۰ در صد وابسته است. تولیدات این کارخانه پس از پیروزی انقلاب از ۱۰/۵ میلیون متر به ۱۲ میلیون متر در سال رسیده است.

با وجودیکه امیرالیستها فروش بعضی از قطعات را تحریم کرده اند اما کارگران با بستکاری خارق العاده تنها با آنکا به نیروی خود امکانات موجود توانستند قطعات مشابه را بسازند. برتکارهای شیرازی توانستند بعضی از قطعات الکتریکی و الکترونیکی مورد نیاز کارخانه را به خوبی تعمیر کنند. یکی دیگر از واحدهای تولیدی شرکت کننده در نمایشگاه کارگاه دوب فلزات کارون است که سازنده انواع و اقسام قطعات یدکی و ماشینهای کشاورزی می باشد. خبر نگار رنجبر با آقای محمدیان صاحب کارگاه مذکور گفتگویی داشت. آقای محمدیان در گفتگوی خود چنین اظهار داشته است:

" ۳۵ سال سابقه کار فنی از تراشکاری، مکانیکی و ریخته گری دارم. زیر دست مهندسین خارجی ۱۵ سال کار کرده ام و با دست خالی امکانات محدود مالی توانستم این کارگاه را تاسیس کنم که در آن انواع و اقسام قطعات ماشینهای کشاورزی از قبیل کامپاین، تراکتور، نهرکن، دیسک و گاو آهن تولید می شود. من تعهد می کنم که اگر ابزار کار مناسب از قبیل ماشینهای تراش، فرز، صفحه تراش، برس و ابزارهای کارگاهی از این قبیل در اختیار داشته باشم می توانم کامپاینی مشابه مارکهای خارجی بسازم، البته قادر به ساختن موتور نیستم. بهر حال دست ما کوتاه و خرما بر نخیل. استعدادها کامل، فکر کامل، هنر و تجربه زیاد و دستها خالیست". کارگاه ریخته گری و مدل سازی فارس نیز از حمله واحدهای تولیدی شرکت کننده در نمایشگاه است. مسئول این ریخته گری می گفت که ما آدم منحصر در ریخته گری فراوان داریم و از نظر تکنیکی دشواری زیادی نداریم. تنها ۲۰ در صد از مواد اولیه این صنعت وابسته به خارج است. این صنعتگر هشدار می داد که اگر دولت از این رشته حمایت نکند به وابستگی کمک خواهد کرد زیرا ما امکانات زیادی برای خدمت به رشد اقتصاد ملی داریم.

پروژه ملی برای شب عید نیست

مدیرکل شیلات شمال به خبرنگار خبرگزاری فارس گفته است که مردم نباید انتظار برای ماهی مصرف شب عید خود داشته باشند زیرا صیادان شرکت تعاونی در این فصل ماهی تحویل شیلات نمی دهند. مدیرکل شیلات آشفنگی درصید و صیادی را علت کمبود ماهی دانسته و اضافه کرده که صیادان حتی ماهیان غضروفی و ماهیان نارس را نیز برای تکثیر و پرورش شیلات برای تکثیر و پرورش آنها سالانه هزینه گزافی متحمل میشوند و صید میکنند. مقدار زیادی ماهی را به طور غیرقانونی از کشور خارج شده و در اروپا به شکل قاچاق بفروش میرسد. بطوریکه شرکتها ی طرف تراداد ایران مدتهاست برای خرید ماهی و بار مراجعه نکرده اند.

هنوز بهانه های رژیم شاه در مورد کمبود و گرانی ماهی از یادمان نرفته است که

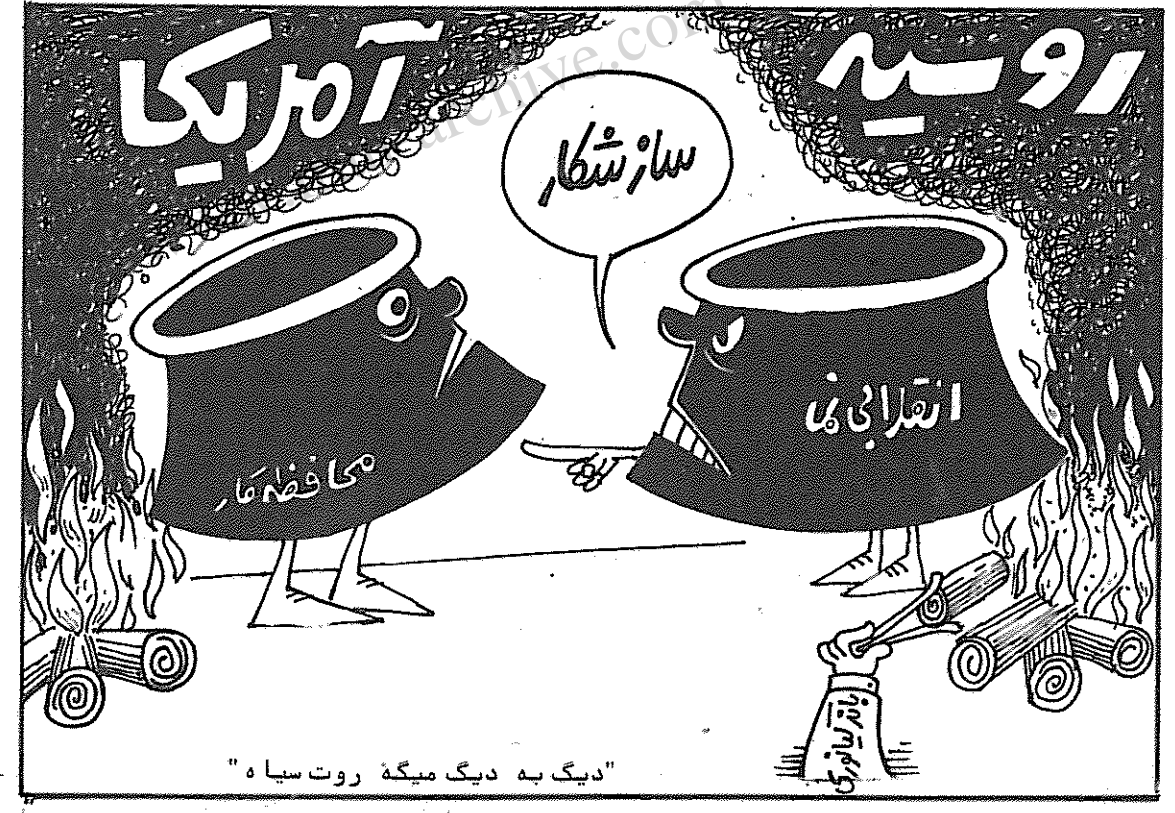
تعمیر میباید می را به مردم صیادان میگذازد. صیادان شمال که سالها تحت ستم عمال رژیم شاه در شرکت شیلات بودند، پس از انقلاب هم تا همین جندی پیش، هیچ تغییر و دگرگونی در شیلات مشاهده نکردند و از آنجا که نمیتوانستند ستم شیلات و قوانین طاغوتی آنرا تحمل کنند، فاجعه خونین انزلی بوجود آمد.

آقای مدیرکل شیلات شمال! آقایان مسئولین امور! شما بیاید شیلات را برفع صیادان و زحمتکشان دگرگون کنید، آنرا از وجود بقایای سرمایه داری وابسته پرورکرا تیک پاک کنید، و شیلات را موسساتی در خدمت زحمتکشان و رشیدان اقتصاد ملی قرار دهید، آنوقت مشاهده خواهید کرد که نه تنها آشفنگی در صید و صیادی زمین خواهد افتد بلکه با کمبود و گرانی ماهی عمرو بر و نخواهیم بود و بر این اساس میتوانیم صادرات هم داشته باشیم. مسئله مهم اینجاست که صیادان شیلات را از خودشان نمیدانند.

امیرالیستی بوده و زاده منابع و ثروتهای کشور را در اختیار رچیا و لگران بین المللی بگذارد.

خلق بیخاسته ایران دیگر به زیر یوغ جهانخواران نخواهد رفت و نتیجه مبارزه شکست برای امیرالیسیم و پیروزی برای مردم ما خواهد بود.

پساور - پاکستان - ۲۸ بهمن (رویت) - مبارزین افغانی و نیروهای دولتی در اطراف شهر جلال آباد در تمام مدت شب درگیر جنگ بودند، حزب اسلامی افغانستان گزارش داد که در یک نبرد در شهر جلال آباد در روز جمعه (۲۶ بهمن) ۵۰ سرباز دولتی کشته و ۳۰ سرباز زخمی شدند. روسها هم در جنگ شرکت داشتند. سخنگویان مبارزین افغانی که در پشاور (۳۵ کیلومتری مرز افغانستان) دفتر دارند، گفته نبردهای سختی میان مبارزین و نیروهای دولتی در استانهای شمال شرقی بدخشان و تخار در مرز شوروی اتفاق افتاده است.



"دیگ به دیگ میگو روت سیاه"

امریکا به دامن شوروی نیفتیم و یا بالعکس. قسب زاده همچنین تاکید کرد که ما باید به آماده ساختن افکار عمومی مردم پاناما برای استرداد شاه مخلوع بپردازیم و پاناما را برای استرداد شاه سابق به ایران تحت فشار داخلی قرار دهیم. این عمل در صورتی امکان پذیر است که جبهه داخلی را متحد و یکپارچه و قدرتمند نگاه داریم.

سازمان فرهنگیان جبهه ملی خواستار مشورت با معلمان شد

تهران - ۳۰ بهمن ماه: سازمان فرهنگیان جبهه ملی طی نامه سرگشاده ای که برای وزیر آموزش و پرورش نوشته شد، خواستار مشورت با معلمان در حل مسائل تعلیم و تربیتی کشور شده است. در این نامه ضمن اشاره به اهمیت مسائل آموزش و پرورش و لزوم مشورت در مورد آن، خواستار استراحت های دوره ای برای دانش آموزان و معلمان بمنظور تجدید قوای روحی و جسمی شده است.

در قسمتی از این نامه آمده است که: "... امسال که وضع بسیار نابسامان تا ساف انگیزی بر مدارس حکم فرماست، جای تعجب است از طرفی بخشنده مادر میشود که برای حفظ روحیه خسته معلم آئین نامه انضباطی باید شدت اجرا شده و از طرف دیگر تعطیلات نوروزی لغو میگردد... فرهنگیان جبهه ملی از یک وزیر که خود تا سال گذشته معلم بوده انتظار داشتند که این مهم را... با معلمان و دانش آموزان و اولیاء آنها که عوامل اصلی و موثر آموزش و پرورش میباشد در میان بگذارند."

نبردهای شدید...

برکناری ببرک کارمل توسط اربابانش زیاد است تا شاید کارگزار دیگری بهتر بتواند از عهده وظایفی که روس ها به او محول می کنند برآید و قدری تضادهای جامعه را تخفیف دهد.

هر روز زره پوشها و کامیون های مهمات روسی از رودخانه آمو دریا (سیحون) میگذرد. مرتبا هواپیماهای آنیتووف سربازان روسی را به فرودگاه کابل می آورند و ماشینها و کامیون ها مرتبا بین فرودگاه و کابل در حرکت اند.

نیروهای روسی دارای انواع سلاح ها و هلیکوپترها برای تعقیب بارشیران ها و انواع وسائل برای برف رومی جاده ها و پل متحرک برای عبور از دره ها و رودخانه ها هستند. روس ها قریب به ۳۰۰۰ نفر نطفات داده اند.

ارتش افغانستان دوباره سازمان داده میشود. جدیدین لنگر بطور کامل جلع سلاح شدند چون به وفاداری آنها اطمینان نداشتند. سربازان افغانی کارهایی مانند کنترل ترافیک نظامی و بارزسی وسائط نقلیه انجام میدهند. سربازان روسی از ترس ترحیب میدهند دور از جسم مردم باسد و کارهایی را که با مردم سرو کار دارد به سربازان افغانی واگذار کند.

از رهبران و مقامات مهم از جمله استاندار، رئیس پلیس، فرماندهان لشکری در جلال آباد (بین کابل و مرز پاکستان) تعویض شده اند. این تغییرات به علت ترس از شورش و بیوستن این افراد به جنبش آزادی بخش میباشد.

روس ها قصد ندارند به این زودی ما قوای نظامی خود را از افغانستان خارج کنند. آنها حتی با چند کشور افغان خود درباره اعزام نیروهای آنها به افغانستان مذاکراتی انجام داده اند که اعزام سربازان یعنی اولین قدم آن بود. با این ترتیب سوسیال - امیرالیسیم سعی دارد از بار فشار افکار عمومی بر دوش خود بگذرد و برای عارتگریها و جایاتش سربیک جرم پیدا کند.

ارتش منظم افغانستان به علت سورس و بیوستن به صفوف مجاهدین از ۷۰ هزار نفر قبل از دخالت روسیه به ۴۰ هزار نفر در حال حاضر رسیده است. ارتش افغانستان بر خلاف انتظار متجاوزین روسی نه تنها کمکی برای آنها به حساب نمی آید بلکه برای اشغالگران درد سرهای جدیدی بوجود آورده است. شایعات درباره تعویض مهره و